

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۴۳۱

پیکار

بیاری زحمتکشان سیل زده خوزستان بشتابیم

سای سیل بکار دیگر هم میبازد زحمتکش ما در خوزستان را ترا کرفنده است و مدتها سن را کشته و هزاران سر را به مرگ و سستی نهاده می کند.

ما من برای این است از این جا دنه جا بکشد. همدردی خود را با هموطنان محسب دندد ابراز داند از کلبه نیروهای آتعلانی بحموس رفقای هوا دار ما زمان مسحوما هم که ما شما قوا و سرسما ساری هموطنان سیل زده خوزستانی بشتابند. لازم است توضیح است که در کوتاه مدت و در درجه اول به نیروی انسانی، چادر، پمول و دارو سا زفوری وجود دارد. در این زمینه علاوه بر جمع آوری کمک از سراسر ایران، رفقای هوا دار خوزستان از لحاظ ترست به مناطق سلسله و بیاری به هموطنان محسب دندده مسئولیت بستنری دارند.

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۸ به با ضمیمه ۲۵ ریال

اتحاد کارگران قهرمان "مجتمع فولاد" پشت امپریالیسم را میلرزاند

۳

مجاهدین و اتحاد عمل آنان بایبر الهادی جریان انتخابات مجلس شورای ملی

۱۶

گزارشی از مبارزه قهرمانانه زحمتکشان شهرک ولی عصر

صفحه ۱۳ شهرک ولی عصر



آتش افروزان واقعی گنبد چه کسانی هستند؟

ویژه نامه قیام شماره (۳)

در ۸ صفحه ضمیمه این شماره

- ★ مروری بر جنبش د هقانی در یکسال اخیر
- ★ حزب توده از مشروطه خواهی تا قیام خلق
- ★ خاطرات یک رفیق ارقیام در شیراز
- ★ پیام به سازمان جریکهای فدائی خلق میمانست
- ★ د همین سالگرد نبرد قهرمانانه ساهکل
- ★ خاطره رفیق شهید داربست (یوسف) صابریگرمی یاد

موضع ما درباره انتخابات مجلس شورای ملی

۱ - موقعیت نیروهای سیاسی - طبقاتی جامعه و شرایط برگزاری انتخابات

لحاظ حرکت از نیروها و جناحهای مختلف درونی آن، آخرین تلاش خود را بکار گرفته اند تا موقعیت و مکان خود را در مجموعه قدرت سیاسی قانونی رسمی آینده تحکیم نمایند و کرسیهای بستری در درون مجلس را به ما بندگان خود اختصاص دهند.

شبه در صفحه ۲

انتخابات مجلس شورای ملی در پیش است و همه نیروهای سیاسی با اهداف متفاوت و کونا کسبون خویشان را برای کام نهادن در این کارزار انتخابانی آماده میکنند. تشکیل مجلس شورای ملی آخرین کام هست خاکمه درخت "قانونی" کردن خویشان و استقرار کامل رژیم جمهوری اسلامی است. بدین

۹ و ۸۰	★ اخبار ارتش	★ اخبار کارگری
۷ و ۶	★ اخبار ملی	پیروزی کارگران اخراجی پالایشگاه صفحه ۱۲
۱۵ و ۱۴	★ هنر مقاومت	کارگزاران آزادی باید گرد
۱۸	★ دفاع "بازرگان" افشای "بازرگانها" است	پیروزیاد سازات کارگران گیلارد سیستان
۱۹	★ سالگرد قیام با شکوه تمام برگزار شد	باورد بگر جان کارگرفدای حبیب سرما بعد ارشد
۲	★ توضیح درباره کتاب لیست ۸۰۰۰ ساواکی	پیروزی کارگران سیکار کرج و حومه
۵	★ بنی صد برای بزرگ کردن نظام سرمایه داری	کنگره نشورا های اسلامی کارخانجات توطئه های علیه
۵	★ وابسته به میدان می آمد	تشکل کارگران
۶	★ بازهم دروغ با زهم فریب	در چاه معما قطع دست یک کارگر برای اوفاجعه است
۱۰	★ تویم و تانسران سرزدگی زحمتکشان	سازات کارگران "مجمع فولاد" اندام دارد

گرامی باد ۲۹ بهمن دومین سالگرد قیام قهرآمیز مردم مبارز و قهرمان تبریز!

نقشه از صفحه ۱

موضوع ما ...

انتخابات ریاست جمهوری و نتایج آن، تناسب نوای سیاسی میان جناح‌های درگیر در قدرت را بنحوی آشکارا در گون ساخت. جناح‌های میمینی در درون روحانیت، که عمدتاً رهبری حزب جمهوری اسلامی را بر عهده دارند، و در درون شورای انقلاب نیز ما حسب پایه و نفوذ فراوان بوده اند بنا بر این که در طریقی این مدت توانسته بودند بر کل روحانیت، با تمام نامشکونی و شکامهای درونیش، همزبانی داشته باشند، با زنده‌مانی این انتخابات بود و شکست فاجت‌باری را متحمل شدند. با شکستی که به سرورزی بنی صدر در انتخابات و نتایج آن، انتخاباتی در مورد مصیبتی بر آن‌ها وارد کرد تمام تلاش‌های رهبر-ان این جناح برای آنکه نشان دهند که نسبت با بی شکستی بی تفاوت بوده و خود را موفق میدانند که از رئیس‌جمهوری با ملاحظه منتخب مردم - بنی صدر - پشتیبانی و حمایت میکنند، نتوانست ختم فروخته آن‌ها را از تحمل این شکست و عرصه‌ای که بر تمام ملامت آورده اند، و قدرت طلبانه نشان و اراده‌ها داشته باشند، نشان سازد. این جناح اکنون می‌کوشد تا با تمام نیرو و شکست خود را در انتخابات ریاست جمهوری، با بهروری هر چه بیشتری در انتخابات مجلس شورای - ایران - نشان دهد.

اما جناح‌های رقیب نیز ما کت نشسته اند. کسی مدبر که اکنون ریاست‌گانه چهره لایبرالی خویش را در پس پرده دروغی از دمکراتیسم نشان گرفته است، ما معاونان و اعمارش در مدد تشکیل یک گنگره بزرگ وحدت‌گرا است. گنگره وحدت‌گرا مدرا تمام طوطی‌های فریبنده اش، رهبری سبک‌چرب‌گانی برای نمودن از هم سبک‌تر به فله قدرت و دست آوردن ابزار-های هر چه بیشتری از قدرت سیاسی، مدروا را از سودای آن دارند که به سرورزی در انتخابات ریاست جمهوری را با بهروری در دست آوردن گریه‌های هر چه بیشتری در بارلمان، تکمیل نماید. گنگره وحدت‌گرا بنی صدر گنگره وحدت جناح میمینی از بهرورزی و بهر مآله‌ها را بن لایبرال منظور جناحات بر ما به و میبندد. بیما را همه، گنگره جذب و جلب سبب دمکرات‌های نامشکیر سوسی این جناح منظور تقویت پایه‌های اقتدار این جناح در قدرت سیاسی، گنگره

● بر پایهٔ ارزیابی از وضعیت سیاسی موجود، ما در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت می‌کنیم.

فراخواندن توده‌های ناآگاه هر چه وسیع‌تری، به زیر پرچم فریبنده لایبرالیسم بورژوازی، و ما لاسره سگوری بر تبا این جناح بورژوازی به تله‌های رفیع - تر قدرت سیاسی و تفرار گرفتن در راه آن است. این است معنا و مفهوم واقعی گنگره وحدت‌گرا در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی، و نامشروع است این اهداف واقعی را در پس کلمات و جمله‌های بی‌بهره فرسارانه و اغواگرانه اثر انداز ضرورت "حفظ انقلاب" و "نجات دمکراسی" نشان سازد، حتی اگر نتواند مدتی سرنویده‌های ناآگاه و دمکرات‌نپسای نا بشکیر را بدین حال حوسه روان سازد.

اما جناح‌های مختلف هیئت حاکمه، عسیر غم رقابت‌ها و درگیری‌های درونی خود، در آستانه انتخابات با مجلس، زمانی که برای "معالج" خودشان معیان می‌آید، و این "معالج" از جانب نیروهای راستین انقلابی سوپزه کمونیست‌ها، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد، به روحدت خویش امر را می‌ورزند و مشترکاً، اقدامات مناسب و عاجلی را جهت مقابله با

شواهد چهره صد دمکراتیک خود را در زیر نای مسدود می‌کراسی خواهی بسیار سازد. اکنون در آستانه چنین انتخاباتی و در حالیکه نیروهای مختلف سیاسی و طبقاتی، خود را و بیما برای یک کارزار انتخاباتی آماده میکنند، در حالیکه جناح حاکم روحانیت می‌کوشد تا شکست میمینی را بنحوی جبران کند و پایه‌های قدرت خویش را در قدرت سیاسی حفظ و تقویت

- شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی را باید وسیله‌ای برای افزایش آگاهی و تجربهٔ انقلابی توده‌ها و رشد مبارزهٔ طبقاتی و پیوند هر چه فشرده‌تر با توده‌ها تبدیل ساخت.
- نباید فراموش کرد که عرصه پارلمان عرصه فرعی مبارزه است و عرصه اصلی مبارزه طبقاتی همچنان در آن عرصه‌هایی است که توده‌ها خود به ابتکار خویش در هر جا و مکانی که زندگی می‌کنند و در تولید و نقل ایفا می‌کنند، می‌گسترانند.
- شرکت در انتخابات مجلس شورای ایران همچنین باید به عرصه‌ای بدل ساخت که در طی آن هر چه بیشتر زمینه‌فشرده‌گی صفوف نیروهای چپ انقلابی و نزدیکی و اتحاد عادل با نیروهای دموکرات و صد - امپریالیست فراهم گردد.

نماید. بنی صدر به بنا بندگی جناح میمینی از بهرورزی لایبرال، در دست تحکیم پایه‌های اقتدار خویش و تقیینه کردن حتی المقدور تمام، شما های اجرا - شی و شایسته‌های قدرت سیاسی است. بنی لایبرالیست‌گرای اینجانبی حشکل از دست ترین جناح‌های بهرورزی و زمین - داران جزرک و ... به شما بندگی اغراض و نیروهایی همچون ما از زنگار عدالتی، جنبه ملی و ... در تخریب نمودن ذریه زلمان و دست آوردن شما دهر چه بیشتری کراسی جبارلانی است.

نیروهای انقلابی را در یکال و سوپزه کمونیست‌ها چه موضعی را باید اتخاذ کنند؟

۲- جنبه اصولی و تاکتیکی مجاز بودن یا نبودن شرکت در پارلمان

با زلمان هم‌جناگ‌ها را گفته ایم، موسسه‌ای است بهرورزی، این نهاد سیاسی، از آنجا که نسبت به هر رژیم سرمایه‌داری قرار دارد توسط نظام سرمایه‌داری تشکیل و کنترل میشود، و ما لایبرالیست‌گرای برای خود نمی‌تواند بهرورزی آزادی را در بارلمان آنجا بر رسمیت میبندد که به مقدمات طبقا تسی او احترام بگذارد و از ارجحی که او برایش نمیبندد کرده است، با فرا تر نشد، بهرورزی با زلمان را برای آن میخواهد تا به مردم اجازه دهد که اکثریت نما بندگان آن را از میان شما صری که او با تکی خود را پیشاپیش به حفظ نظام سرمایه‌داری کرده است، انتخاب کنند. با زلمان نه‌ای است از ما شکی نیست دولتی بهرورزی، اما فریبنده ترین و در عین حال ریاست‌گانه ترین نهاد آن، با زلمان فریبنده ترین ابزار بهرورزی در اعمال حاکمیت طبقاتی خویش است. با زلمان تا رسم بهرورزی احسان کساد بدمکراسی را در توده‌ها انقاس می نماید، آنجا را به صلح سرمایه‌داری میبندد و آنجا را به سازکت از مسیر انقلاب فراسی خواند، با زلمان در کثیت خویش فقط توانستنی را به نسبت میبندد که به حرم سرمایه‌داری و شما رسما بند، با زلمان در عین حال عرصه‌ای است

این "خطرات" در پیش میگیرند، تجربه انتخابات ریاست جمهوری، به کل هیئت حاکمه نشان داد که برای شما این نیروهای انقلابی و دمکراتیسم عرصه مبارزه انتخاباتی، ما نتیجه‌میزان میبندد از این، او فکر تراک باشد میبندد میبندد که بلافاصله به تصحیح اشتباه خود در مورد اجازه دادن به شرکت نیروهای انقلابی در انتخابات بپردازد. این تجربه را هیئت حاکمه در انتخابات مجلس می‌گردد تا مواضع هر چه بیشتری در برابر شرکت این نیروها در انتخابات موجود آورد. مسئله‌ای کردن انتخابات، قانون اکثریت مطلق برای انتخاب شدن نامزدها، و دو مرحله‌ای کردن آن ... مهمترین مواضعی بوده هیئت حاکمه چون هفت جوان رستم در برابر نیروهای انقلابی و میمینی و کمونیست‌ها نهاد، لیکن موج وسیع مخالفتی و اعتراضات چه از جانب توده‌ها و نیروهای انقلابی و چه از جانب برخی نیروهای لایبرال خارج از محله قدرت سیاسی و فاغذ با یگا و وسیع توده‌های هیئت حاکمه را و آدرسه عقب نشینی‌های محدودی کرد، بطوریکه میبندد نشان منطقه‌ای کردن انتخابات را ملنی میبندد. اما قوانین دیگر را همچنان و علیرغم مخالفت‌های وسیع مردم، تا اکنون کماکان حفظ نموده است. قانون اکثریت مطلق برای انتخاب شدن و دو مرحله‌ای کردن آن یک شادی آشکار است، قانونی است که به شما نشی میبندد از زور و نیروهای انقلابی و در یکال به درون مجلس جنوگیری نماید، نیروها - شی که در صورت لغو این قانون بقیماً میبندد استند هر چند بطور محدود به درون پارلمان نفوذ نمایند.

بهر صورت نفس این قوانین خوبی میبندد ما هست مدد دمکراتیک ما حیا در قدرت و وحشت آنها از پایه‌گیری نیروهای انقلابی در محله مبارزه انتخاباتی را نشان دهد، چنین قوانین سبب میبندد بدون شک چهره هیئت حاکمه را پیش از پیش در مقابل توده‌های مردم رسوا خواهند نمود. بنی صدر که عنوان ریاست‌سوری انقلاب را بنیصد میبندد نشان داد که آنجا که ملاحظه و معالج غالبه کل قدرت سیاسی حاکم در ما است، و نامشکیر حسی توانستنی اما تکی سازد، ما شکوت میبندد از خود در صلح حاکمه، سوسی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

اخبار کوتاه کارگری

کارگر زندانی آزاد باید گردد

زنجان
بهی از ابن خبردا دیم (بیکار ۲۰) که یکی از
نماینده شورای کارگران کارخانه پارس مینسرو
واقع در خمدره بنام وزیر مدتهاست که در بند
است.

این کارگر آگاه و مبارز که از پیشانیسی
وسیع و فعال کارگران برخوردار است، در دادگاه
مخبره‌ای که چندروز قبل برای محاکمه‌اش در
زنجان تشکیل شده بود، به شدت سرمایه‌داران را افشا
کرد و در حالیکه حدود ۶۰۰ نفر از کارگران کارخانه
به حمایت از او به زنجان آمده و در داخل و خارج
دادگاه اجتماع کرده و دادستان را بساد حلسه
گرفته بودند، قاطعانه از طبقه کارگر در برابر
سرمایه‌داران و مزدوران و رنگارنگان دفاع بر-
خواست.

ما دستگیری و محاکمه این کارگر مبارز را
توطئه ارتجاع و عوام‌پل مزدور سرمایه‌داران دانسته
و ضمن محکوم کردن آن همراه با کارگران کارخانه
پارس مینسرو، آزادی بدون قید و شرط او را خواهیم



اتحاد کارگران قهرمان "مجمع فولاد" پشت امپریالیستها را میبلرزاند

سنگل از سیمه‌معلی بیکار شماره ۱۰ - کمیته خوزستان

رسمی با دیگر دردد - شرکت بهمانی ملی با دیگر دردد /
اموال سرمایه‌داران رستف رحمتکشان - برای زحمت -
کشان ملی با دیگر دردد... را می دادند. کارگران
مبارز ما شین سازی در میان استقبال گرم کارگران
فولاد - شین جنوب به محل شرکت رسیدند و
فطننا همه خود را قراشت کردند.
در فطننا همه کارگران مبارز ما شین سازی ضمن
ناکید بر بیگیری مبارزات فدا مهربا لیستی و لزوم
ریشه‌کن کردن سطفا مهربا لیسیا زمینشان مطرح
شده بود که مهربا لیسیا را در عمل با بدستگ داد. در
فطننا همه کارگران مبارز ما شین سازی ضمن حمایت
از خواسته‌های کارگران فولاد جنوب - شین جنوب
ایلام کردند که همراهِ همسنگری آنها علیه امپریالیسم
و ارتجاع داخلی مبارزه خواهند کرد تا به خواسته‌های
اعلی شان دست یابند.

روز چهارشنبه ۵۸/۱۰/۲۶ کارگران مبارز
فولاد جنوب - شین جنوب تا بلوهای فولاد جنوب -
شیراز جنوب را پاشین کشیدند و تا بلوی "شرکت ملی
پروژه‌ای" را بالا بردند. در ادامه این مسارات
کارگران شرکت ما ختانی ما نا واقع در مجمع
سمنی فولاد اهورا زوریکشبه ۲۰ دیماه، در محفل
تجمع کارگران فولاد جنوب - شین جنوب حاضر شده و
پشتیبانی و حمایت خود را از آنان اعلام کردند. موج
این مبارزه تمام مجمع را در سرگرفت. شعار "لسو
قرا داده‌ای امپریالیستی" و "ملی کردن کنسر -
سیرم فولاد جنوب" و "رسمی کردن کار-
گران پروژه‌ای" که خواست تمام کارگران زحمتکش
مجمع فولاد است در تمام کارگاهها جنب و جوشی
افتاد.

کارگران مبارز ما شین سازی هم هم‌دما با دیگر دران
کارگران در مجمع فولاد خواهان مبارزه قاطعانه
علیه امپریالیسم و فوکلینیه قرا داده‌ای امارتیار
نده و سمنوان اعلام همسنگری با کارگران ما نا و
فولاد جنوب - شین جنوب قرا می گذارند که روز
یکشنبه ۵۸/۱۱/۷ دست به راهیما می بزنند.
روزیکشنبه فلانژها تبلیغات همه جا شینا ی کرده
بودند. اعلامیه‌هایی بر علیه نظرات و مسارات
مدا مهربا لیستی کارگران در محوطه کارخانه بسا
امضای کارگران فطننا ما شین سازی پارس (اسم
جدید نیروی ویژه!) بخش شده بود که ملی شدن
شرکتها ی امپریالیستی و رسمی شدن کارگران
بیمبارکاری را کاری در جهت منافع امپریالیستها
نا میده بود! همچنین سردمداران فلانژها می -
گفتند که در قانن اساسی نوشته اند که شرکتها ی
بیمبارکاری رسمی می شوند و دولت خودش این کارها
را می کند و احتیاج به راهیما می و تحمن نیست!
حدود ساعت ۹ بود که کارگران مبارز کارخانه،
کارگران را به میدان سخنرانی دعوت کردند و قرار
بر این شد که راهیما می از آنجا شروع شود. حدود
۳۰۰-۲۵۰ نفر از کارگران راهیما می را شروع
کردند. مسیر راهیما می از محل کار کارگران ما -
ختانی ما نا می گذشت راهیما می با در طی مسیر مورد
استقبال کارگران ما نا که مشغول کار بودند قرار
گرفتند. کارگران مبارز ما شین سازی در طول مسیر
سارها می چون ارتجاع، ارتجاع حامی سرمایه‌دار-
کارگر، کارگر علیه سرمایه‌دار / کارگر بیما نسسی

شوتور

پیروزی مبارزات کارگران گیلارد سیستان

- کارگران فازیک شرکت گیلارد سیستان (تونسرو)
که بالغ سر ۱۵۰۰ نفرند در تمام مدرسه به همسنگری و
اتحاد خودتوا سندنندستولان امورا و ادا رکنند. که
خواستهای عادلانه شان را بپذیرند. خواسته‌های
کارگران از این قرار بود:
۱ - پرداخت اضافه حقوق
۲ - پرداخت حق مسکن
۳ - پرداخت حق اولاد
۴ - پرداخت حق سرویس
۵ - دفترچه خدمات درمانی
۶ - تشکیل شورایی بر نظرو با اشتغال کارگران
۷ - دادن سرویس به کارگران روستایی
۸ - پرداخت حقوق بیکاری ۲ ماهه دوران انقلاب
و

روز سه‌شنبه ۵۸/۱۱/۹ که کارگران هر قسمت در
جلوی محل کار خود اجتماع کرده بودند، کارگران
فازیک طی یک راهیما می ۲ کیلومتری که نا
پشتیبانی کارگران فازیک ۳ نیز روزی بودند، خواسته‌های
فوق را مطرح کردند. در این میان کوششهای مدیر-
عامل شرکت (بهیستی) و نسا بنده ما م (آل طبیب) که
می خواستند با تحریک احساسات مذهبی کارگران
بهین آنها تفرقه بینا فکنند، سجا می نرسید. کارگران
مبارز شرکت با افشای کارهای خودچنان عرصه را سر
این آقا بان عداک رگرتنگ کردند که چند بار سنا چارز
شده در صفحه ۱۳

کارگران ما شین سازی خواسته‌های مشترکشان را در موارد زیر عنوان می کردند:

- لغو قراردادهای بین دولت و بیمبارکاریها ی
امپریالیستی .
- رسمی شدن تمام کارگران بیمبارکاری
- ایجاد شرکتها ی ملی پروژه‌ای ایران که تسلیم
کارگران پروژه‌ای در زیر پوشش خود بگیرند.
* * *
برقرا را دادند و همسنگری کارگران منافع فولاد!
مرک برا مهربا لیسم آمریکا دشمن اصلی خلفای ایران!

بار دیگر جان کارگری فدای جیب سرمایه داران شد

کژارش زهر بار یکی از کارگران مبارز جنرال
استیل شهبه کرده و ما آرترا سنا در بیکار درج میکنم:
روز چهارشنبه ۵۸/۱۱/۱۰ یکی از کارگران قسمت
پلاستیک کارخانه جنرال استیل به نام غلامعلی
جهانیا ن زبردستا ه دلا بترفته و کشته شد. جریبان
از این قرار بود که اخیراً دوسنگا ه جدید بنام فود -
لایرود لایر توسط مهندسان ایتالیایی (که از
طرف بنیادیه ا مطلع مستمفین با حقوق کسرا ف
ما هیا نه ۱۲ الی ۲۰ هزار تومان اسنادا مگربیدند)
بغه در صفحه ۲

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

پیروزی کارگران بیکار کرج و حومه

کارگران بیکار کرج و حومه بعد از طبعی که با مدیریت وزارت کار کرج، نمایندگان فرما سازی شورای شهر و جماعت دانشجویی، چون تشبیه ای تکوینی بناچار دست به تهنیت زدند. تهنیت کارگران بیکار که با حمایت چندین شورای کارگری و همجین پشتیبانی گروه های مختلف از جمله دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان بیکار (کرج) روبرو شد، سه روز بطول انجامید، و سرانجام با گرفتن ۳۰۰ هزار تومان وام مکانی برای خانه کارگر خانه یافت. سخنانی که از طرف کارگران در طی سه روز تهنیت ابراهامید، حکایت از آگاهی آنها بعلل بیکاری و همجین راه حل این مشکل داشت. کارگران بدین منتهی شدند که بدون دردم کوبیدن سرمایه داری و استهوا کمیت سیاسی طبقه کارگر نسبتون شکلات اساسی زحمتکاران را بطور قطعی حل کرد. کارگران بیکار کرج و حومه پس از این پیروزی که در سایه اتحاد و همبستگی آنها حاصل شد با روحیه ای عالی شورا راهی مجمع تهرجهت پیروزی بهیسی بزرگتر همچنان سازماندهی کردند.

در جامعه ما قطع دست يك کارگر برای او فاجعه است

شهریار (تهران)

میکند تا تحت عمل جراحی قرار گیرد. پزشکان معتقدند که دست او دیگر نمی تواند حرکات اولیه خود را داشته باشد. واقعیت اینست که از دست دادن هر عضو برای هر انسانی جانگزا و بیشتن ناراحت کننده است، اما در جامعه سرمایه داری از دست دادن دست، برای یک کارگر فاجعه است. او نیک می داند که بسیاری سرمایه داران کارگر چون ابزار است که وقتی ناقص شده کنارش می گذارد. این واقعیت تلخ از عوارض جامعه سرمایه داری بخصوص سرمایه داری وابسته است و تا زمانیکه کارگران حکومت خود را برپا نکنند و قدرت را در دست نگیرند، بارها تکرار خواهد شد. در حکومتی که قدرت دست خود کارگران و زحمتکاران باشد، گذشته از آنکه محیط کار از شرایط ایمنی و بهداشتی کافی برخوردار خواهد بود، اگر هم کارگری دچار حادثه و نقی عفو شد، دولت انقلابی با تامین زندگی خود و خانواده اش و گذشتن سرکاری که در دست او قدرت است، به او یاری خواهد رساند.

بار دیگر کارگری دستش را که در جامعه سرمایه داری تنها سرمایه او است و از دست دادنش معنی از دست دادن ابزار تامین معاش و وسیله زندگی است، سهنگام کار و ایجاد سرمایه از دست داد. چندی قبل یکی از کارگران کارخانه سینکویت کرجی بنام علی اکبر فتوحی هنگام کار در کارخانه دستش از ناحیه آرنج زیر چرخهای دستگاه کشیده شده و له می گردد. در این هنگام کارگر دیگری که متوجه شده بود، دستگاه را خاموش می کند. کارگران ۴۰ دقیقه تلاش می کنند تا دست علی را از جای چرخها در می آورند. (می توان حدس زد که در این فاصله چه زجر کشیده است!) بعد از آوردن دست وی، چون بیمارستانی در نزدیکی کارخانه نبود، او را به بیمارستان شماره ۲ تهران می برند. در این بیمارستان همساعت نبودن برق، هیچ اقدامی از طرف مسئولان آن صورت نمی گیرد و مجروح بمدت دو روز در بیمارستان بدون عمل جراحی باقی میماند. سرانجام پس از خونریزی فراوان سمیت یکی از مهندسان کارخانه و راهبیمارستان دکتر شریعتی منتقل

مبارزات کارگران «مجموع فولاد»

ادامه دارد

کارگران مبارزان فولاد استرویلر - تهران جنوب، در ادامه مبارزه خود، شورای هماهنگی کارگران شرکت ملی پروژهای (فولاد استرویلر - تهران جنوب) را در تاریخ ۵۸/۱۱/۳ تشکیل داده و در جهت رسیدن به خواسته های اساسی خود، قدم مهم دیگری برداشتند. در دومین اطلاعیه شورای هماهنگی چنین آمده است: "تیمایندگان این شورا از دل کارگران برخاسته اند و سواستگرمی می خواسته ای برحق کارگران میباشند که از ابتدای انقلاب شکوهمند ملت ایران آنرا دنبال میکردند. هدف این شورا ملی کردن شرکت فولاد استرویلر و اداریت مبارزان فولاد استرویلر - تهران جنوب و رسمی کردن کلیه کارگران پروژه ای تا غل در صنایع فولاد بوده که سلطت عدم رسیدگی اولیاء امور، اعتصاب خاطر صورت گرفته است، بهیکسری کارگران ستون اصلی این مبارزه را تشکیل میدهند که خودشان زیرم به پشتیبانی شما می افتار مبارزو خدا مهربا لبت دارد."

بخیه از صفحه ۱۸
دفاع ...

سیاست ها و برنامه های ضد خلقی شما سببند، بلکه کل آن سیستمی را که شما به مقام محنت و زیری ای می رسید، سیستمی که مینای جا و امیرانتظام هسا و بهشتی ها و... را بر مقدرات خلق حاکم می کند و به شما اجازه و حرات ایسترا می دهد که اعترافا به ننگین خود را تحت عنوان دفاع از خود و سفا مستتر سازید، محکوم می نماید.

کنگره سراسری شوراهای اسلامی

کارخانجات نوظنه ای علیه تشکل کارگران

دومین جلسه کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارخانجات روز جمعه ۵۸/۱۱/۲۶ با حضور حدود هزار نفر از کارگران در مسجد جواد واقع در تقاطع کریم خان زند پس از نماز، تشکیل شد. موضوع مورد بحث "حدود وظایف شوراهای" و مواظ آنها بود. سخنرانان این کنگره که از طرف گردانندگان آن حاضر شده انتخاب شده بودند، کوشش می کردند که اولاً ثابت کنند شورا یک مسئله مارکسیستی نیست و مقبول خودشان اسلام، با آنها پیش آنها مطرح کرده است! و دیگر اینکه وظیفه "شورا" دخالت در امور کارخانه نیست، بلکه شورا باید کوشش کند که با تکیه بر اسلام، سازمان کارگران و مدیران کارخانه آشتی برقرار کند! حتی در مواردی که کارگران می خواستند دانش قدرت اجرائی، نظارت بر سر تولید، نظارت بر اجراج کارگران، نظارت بر امور حسابرسی و... را ستوان و وظایف شورا مطرح کنند، از ادامه صحبت آنها سوسله کرده اندگان کنگره و عوام ملتان جلوگیری می شود جهت بحث به مسائل از تسبیل اعغای شورا با بدنه ترقی ما شد و نه غریبی، بلکه بدشولی و بی اسلامی داشته باشند بر می کشد. این کنگره در واقع در جهت اجرائی نقطه نظرها، حزب جمهوری اسلامی است که از همان بسو تشکیل خود "شوراهای اسلامی" را برای آشتی دادن سرمایه داران و کارگران تسلیع می کرد. بر اساس نظر "حزب جمهوری اسلامی" اعغای شورا باید مرکز است نمایندگان کارفرما، مدیر کارخانه و کارگران باشد!!

بخیه از صفحه ۳
بار دیگر ...

در نهایت سلاسیک کارخانه حمرال استیل کارخانه سازی می خواهد که علاوه بر دستکاه فولاد استر که خریداری آن کار می کند مواظب دستکاه دولایتر که توسط کارگری (مخترعی) رون آن کار می کنند با دستکاه لسه علیه غم خالفت غلامعلی منعی سسر آشنا بودند سه دولایتر مواظبت از دستکاه را در یک زمان به او تحمیل کردند، این جریان گذشت تا اینکه روزی که دستکاه منعی او خراب شد و وقتی روی دستکاه رفت تا آنرا درست کند سلطت نهادن شش مواظ و همجنین اتوما تیک بودن زیر (پرس) رفته و له شد. و سرانجام بعد از سه سال زحمت و استقامت در کارخانه، خدا پرکردن جیب سرمایه داران را لومفت گردید. کارگران سیکه در اطراف او بودند، بعضی آگاه شدن برق دستکاه را قطع کرده و او را سبرون آوردند و پس وی را بر سر دست گرفته و در حالیکه همگی گریه می کردند و سخن گلویان را گرفته بود و فریاد می زدند: "ایس سومین قربانی کارخانه است، ما خواهان اجراج مهندسان و مدیران کارخانه هستیم، ما خواهان تشکیل شورای کارخانه و انحلال دستکاهای فلامسی هستیم" خدا غلامعلی را تا دم فترت رئیس کارخانه بردند و در آنجا مدیریت و مهندسان کارخانه نه تنها برای تسبیل از دست خود سبرون نیامدند، بلکه برای فروخوانیدن خشم و غضب کارگران با توسل به یکی از وابستگانش که بهت میکروفون رفته و گفته شدن غلامعلی را دست قضا و قدر دانسته و اظهار داشت که این دست خدا بود و در کار خدا نمی شود دخالت کرد، و بدین وسیله سعی در بیوشانن ماهیت زالیومفتانسه و فریبکارانه خود داشت. بعد از این حادثه در روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۱۱ مراسم حتمی در کارخانه برای تسبیل غلامعلی برگزار شد.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

حرفهای زحمتکشان از ثریات زحمتکشان



بنی صدر برای بزرگ کردن نظام سرمایه داری وابسته به میدان آمد

بازدهمین شماره پیکان نشریه عده ای از کارگران ایران ناسیونال در تاریخ ۱۶ بهمن منتشر شده است. در این شماره مطالب زیر بحث می خورد: "سودویزه با بنده طور مساوی بین تمام کارکنان تقسیم شود"، "چرا کارگران را بزور برای سخن رانی طباطبائی (کاندید ریاست جمهوری) برزنیکا آزادی برده اند"، دومقاله درباره افشای "رضوی" مدیر سندیکا و "ترویزد هقان" و "ممود الهامی" از سرمایه داران وابسته و نیز مقاله ای درباره ریاست جمهوری "منی صدر". همچنین در ضمیمه این شماره مطالبی درباره "شورا های کارگری آمده است. در زیر قسمتها یکی از یکی از مقالات این شماره را نقل می کنیم:

سراخام انتخابات ریاست جمهوری هم بی پایان رسید... در جریان انتخابات میلیونها تومان از دسترنج زحمتکشان برای فریب ندهنده ها خرج شد. با این سولهای که خرج رفاهیت و نسیبها گانندید. های (بروسه بک کوباس) کردند، جذبی هزار خانواده کارگران سکار را می نواز خطرگرسنگی نجات داد. با این سولهای می ندهدها خانه مدرسه و بیمارستان برای زحمتکشان شهروندان ساخت. برادران کارگر: تا وقتی که نظام سرمایه داری وابسته حاکم است تا وقتی که نوده های زحمتکش خودتان در حکومت نیامند. هرکس با هر عمده دوا هر نیت خیر در راه امور فرا رسکیرد. خودت هم عالمی می سود برای حفظ نظام سرکوب مردم و با اکرمفا و متنی

سخنی چند در مورد سود ویژه

نخستین شماره اتحاد کارگری، نشریه عده ای از کارگران کارخانه داروسازی عبیدی، اخیراً منتشر شده است. در این شماره، مقالاتی درباره هدف نشریه، سودویزه، امپریالیسم و مصادره، خانه های خالی و نیز چند خبر کارگری درج شده است. قسمت هاشم از مقاله ای تحت عنوان فوق را در زیر می خوانید:

دوستان کارگر شما خوب می دانید که رژیم منفور پهلوی که در برابر فشار کارگران و ظلم مبارزات آنها فرا گرفته بود جهت فریب آنها مسئله سودویزه را در سال ۱۳۲۱ تحت عنوان سه شدن کارگران در سود کارخانجات مطرح ساخت... این از اینکارات شاه خاش برای طرفداری از طبقه کارگر بود!!

اما ببینیم در رژیم جمهوری اسلامی در مورد سودویزه چه آشی برای کارگران بسته اند. اولین قدم عملی که دولت جمهوری اسلامبر برای ما کارگران برداشت مقررات پرداخت سودویزه، کارگران در سال ۵۸ بود. (من این قانون در ۲۴ آذر در روزنامه اطلاعات نوشته شد) این قانون چه بود؟

شورای انقلاب در ماده واحده توضیح می دهد: "نظریه اینکه قانون سهم کردن کارگران مصوب سال ۲۱ همراه با سایر قوانین در مراجع قانون گذاری به موقع بررسی و تصمیمات مفهنی در این مورد گرفته شده لذا صحت نبودن و نت کافی و عدم امکان جنین بررسی در شرایط کنونی مقرری کرد که سودویزه مطابق با سال ۶۸ پرداخت شود.

شئوال ما از شورای انقلاب این است که چطور وقت برای تنظیم قانون مدکارگری نیروی ویژه که عملش مثل ساواک در کارخانه می باشد، چطور وقت برای بیشتر استثمار کردن ما سرکوب کردن اعتمادات ما هست اما وقت برای نوشتن قانونی سنع مانست؟ چطور وقت برای حرف زدن سنع مستضعفین هست اما برای عمل کردن سنع آنها نیست؟ شورای انقلاب میگوید سودویزه باید بر اساس امتیازاتی که کارگران کسب می کنند پرداخت شود. مثلاً برای ه ساعت عبت یک امتیاز کم و اگر ۱۶ ساعت غیبت داشته باشد امتیاز به او نمی رسد. با امتیاز جهت کارایی، تغلیل هزینه ها و... هر کارگر می باید اولاً دایم به سرعت کار خود بسفزیاد تا ارادمان کار بالارد... تا نیا کارگر باید سعی کند مخارج تولید را هر چه ممکن است پاشین بیاورد. آنچه راهی؟ از راه بکار انداختن تمام نیروی بازویش...

اما دوستان کارگر باید قانون سود ویژه برای همیشه و نه فقط الان لغو شود و همراه با بالا رفتن قیمت ها حداقل دستمزد ما هم افزایش پیدا کند... پس ما باید شورای خود را تشکیل دهیم و در کمیته نظارت بر امور مالی شرکت داشتیم تا میزان سود واقعی را تعیین نموده و حق السهم کارگران را بطور واقعی بین کارگران تقسیم کند.

برای خیانت نشان به ده فوراً پس زده میشود. چه برسد به آقای بنی صدر که اعلا برای نجات سرمایه داری وابسته به میدان آمده است...

آقای بنی صدر می گوید: "ما قذق رابطة آمریکا را نداریم و می خواستیم روابط عادی با این کشور داشته باشیم که آمریکا توطئه کرد و تا هر در کشور خود پذیرفت (با ماداد سه شنبه ۲۲ آبان) آری می بینیم که چگونه آقای رئیس جمهوری با امپریالیسم مبارزه می کند. ایشان نه خواهان قطع رابطه با آمریکا بودند و نه جارت این کار را دادند. اما این دولت آمریکا بود که با کارنا معقول و توطئه گرایانه خود، روابط عادی ایشان را نیز ساخته و جناب دکتر را در زمینه روابط با این غارتگران دچار دردسر نمود!! تا این همه آقای بنی صدر دست از تلاشش برای عادی ساختن روابط بر نمی دارد. ببینیم خودتان چگونه به این امر اعتراف می کنید: "آنچه می بایستی برای جلوگیری از وخیم تر شدن این مسئله (رابطه با آمریکا) بکنیم، گردیم و باز خواهیم کرد."

بله برادران کارگر، خلقهای دلاور ایران ده ها هزار بسته و زخمی دادند تا آقای بنی صدر تلاش کند روابط ایران و آمریکا را عادی کند و زمینه را برای غارت و چپاول دسترنج زحمتکشان ما بیشتر آماده نماید!!

آپارتمانیهای سرمایه داران وابسته ب دست زحمتکشان مصادره باید گردد

در نخستین شماره نشریه کارگران ساختمانی که در سیمه دوم بهمن ماه منتشر شده است، مطالبی درباره هدف از استثمار نشریه، وضعیت با توفهای کارگران، "سوکدشتیک کارگران را" "تولین جمهور و کارگران"، "مبارزه زحمتکشان بی سکن" و اخبار کارگری آمده است. در زیر قسمتی از یکی از مقالات این نشریه را تحت عنوان فوق می خوانید:

... بعد از قیام مردم شروع به مصادره و گرفتن خانه های خالی که وابسته به سرمایه داران بزرگ وابسته بود، نمودند.

اقدام انقلابی و بچی که زحمتکشان برای مصادره خانه های خالی نمودند نظیر آپارتمانی که در میدان انقلاب، خیابان میرداماد دوزمینها می که

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

راهپیمایی و تحصن طرفداران سپاه زرکاری

بدینال طلع سلاح عمومی سپاه زرکاری، این باسکاه ارتجاع درکردستان، مقرآن درمریوان هم توسط پیشرکه‌های کومه‌له‌مئلانی شد. اما عده‌ای از آنها همراه با شیخ ماح نقشبندی (پسرشیخ عثمان نقشبندی) که از سران سپاه زرکاری است دراورامانات که امکان طلع سلاح آنان نبود، با استفاده از اسلحه‌های مردم و با کمک عده‌ای از ملاهای ضدانقلابی دست به نیلغات سو، علیه کومه‌له و دیگر نیروهای مترقی زدند.

درهمین رابطه ساربخ ۵۸/۱۱/۱۸ حدود ۱۵۰۰ نفر از مردم زحمتکش و آگاه منطقه اورامان که توسط ملاهای ضدانقلابی علیه نیروهای انقلابی از جمله کومه‌له‌سحرک شده بودند به پستی‌های سپاه زرکاری و بسوی مریوان است به راهپیمایی زدند. هنگام ورود این عده به شهر، مردم به میان آنها رفته و در باره رهبران سپاه زرکاری به افشاگری پرداختند. راهپیمایان در محدوده مریوان تحصن کرده و خواستار:

- ۱ - آزادی زندانیان زرکاری
 - ۲ - پس دادن اسلحه‌های زرکاری
 - ۳ - تشکیل مجدد مقرهای زرکاری
 - ۴ - اقرار به اشتباه بودن طلع سلاح سپاه زرکاری از جانب کومه‌له
- شدند. در داخل محدوده کومه‌له در مورد دولت و سپاه زرکاری دست به افشاکاری زد و از منحصن خواست که نماینده‌ای برای مذاکره بفرستد. پس از سخن او چند نفر دیگر در سپاه زرکاری افشاکاری کردند. بطوریکه عده زیادی از راهپیمایان با دلی برکینه از مرتجعین که آنها را آلت دست قرار داده بودند به روسای خود با زکندت، صبح جمعه ۱۱/۱۹ نمایندگان منحصن را نمایندگان کومه‌له - ما موستاشی عزالدین حسینی به مذاکره نشاند و طی آن قانع شدند که سپاه زرکاری باید مئلانی میشد. نمایندگان منحصن از نماینده کومه‌له خواستند که زندانیان زرکاری را آزاد کند. اما با مخالفت کومه‌له روپوش شدند.

آنها پس دونهما بنده یکی به مئا باد (پیش شیخ عزالدین حسینی) و دیگری راه اورامانات پیش دست به قیما نده از سپاه زرکاری فرستادند و در حالیکه تقریباً ۶۰۰ نفر از آنها با قیما نده بود تصمیم گرفتند تا آمدن دونهما بنده مذکور به تحصن خود ادامه دهند.

روزیکشنبه ۵۸/۱۱/۲۱ مردم مریوان بعنوان اعتراض به عناصر مرتجع و وابسته به بعثت که با فریب مردم اورامان آنها را به راهپیمایی و تحصن واداشته بودند، دست به نظاهرات زدند. آنها شمار می دادند:

میلله‌تی کوردی‌باش - خهلکی شیولان بدانسن - مه‌شوالانی زرکاری - نوکهری پالیزبان - یعنی بقیه در صفحه ۷



بازهم دروغ بازهم فریب! آتش افروزان واقعی کنید چه کسانی هستند؟

نمایند. عده‌ای از میان آنها حتی اسلحه کمری و نارنجک نیز استفاده می‌کنند که انفجار نارنجک در دست خود مهاجمین منجر به کشته شدن دو تن می‌گردد. بدینال این جریان عده‌ای زیاد از جوانان ترکمن بعنوان اعتراض به این مسئله در محل کانون منحصن می‌شوند. عوامل ارتجاع طرفداران شریعتداری از کسکو و سپاه پاسداران از سوی دیگر سنگربندی کرده و منطقه ترکمن نشین را به محاصره درمی‌آورند. با شروع تیراندازی از سوی طرفداران شریعتداری درگیری مسلحانه آغاز می‌گردد. تیراندازی سپاه پاسداران بطرف خانه ها و مردم که منجر به شهادت چند تن میگردد آنها را بدفاع از خانه های خود وامیدارد و درگیری که در آغاز میان طرفداران شریعتداری و سپاه پاسداران بود، به زد و خورد میان مردم ترکمن و پاسداران بدل می‌گردد که طی آن بسیاری کشته و مجروح می‌شوند. در این جریان سپاه پاسداران یکبار دیگر نشان دادند طریقم اختلاف نشان با طرفداران شریعتداری سرانجام به همراه آنان و ارتجعی ترین عوامل منطقه، زمینداران و فئودالها و سرمایه داران بزرگ در یک جبهه و در مقابل دهقانان زحمتکش، خلق ستمدیده و نیروهای انقلابی منطقه قرار گرفتند. آنچه که در رابطه با این جریان در داد پیوئولویزیون و مطبوعات رژیم منعکس شد جز دروغبرداری، جعل حقایق و تحریف آشکار وقایع نبوده است. این مسئله تاریکی ندارد، قیلا نیز در مورد کردستان، حوادث تبریز، خوزستان و... بسیار شاهد بوده ایم که در درگیری عوامل ارتجاع و حلقهای منطقه، زمینداران بزرگ و دهقانان، سیاست، رژیم همواره دفاع و حمایت از فئودالها و ارتجاعیون، رودروستی مستقیم با مردم کشتار آنها و بالاخره زدن آنها مات گوناگون به کمونیستها و نیروهای انقلابی منطقه بوده است. آنها همواره کوشیده‌اند، با تحریک احساسات مذهبی مردم و ایجاد صف‌بندی مصنوعی میان کمونیستها و مسلمانان، مرزها را مخدوش کنند و کمونیستها را که حامی واقعی منافع خلقها و دهقانان زحمتکش می‌باشند، "ضد انقلاب" و غیره قلمداد نمایند. اما حقایق هیچ‌گاه پشت پرده نمانده است. ادا مه بیازرات خلقها علیه عوامل مرتجع خود بهترین سند رسوائی آنانست ■

بارد بگر عوامل و دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی با تحریف آشکار حوادث اخیر گنبد و وارونه جلوه دادن قضایا ماهیت فریبکارانه، خود را نشان دادند. طبق آنچه در روزنامه‌های جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی درج شد و سپاه پاسداران و انقلاب اسلامی درج شد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز اعلام نمود، "عناصر جب‌نما" (۱) در گنبد حادثه آفریدند و بسا تیراندازی و برتاب نارنجک بسوی مردم مسلمانانی که بقصد اعتراض به راهپیمایی فدائیان خلق گرد آمده بودند چند تن را کشته و نتیجتاً موجب بروز درگیری مسلحانه در گنبد گشتند. اینها اظهاراتی است که سخنگویان رژیم برای منحرف ساختن افکار از عاملان واقعی زد و خورد در گنبد بیان کرده‌اند. اما بینیم جریان واقعی قضایا مختصراً از چه قرار بوده است:

بمناسبت گرامیداشت روز سپاهک کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن از یک هفته قبل اعلام راهپیمایی در تاریخ ۱۹ بهمن می‌نماید. روز قبل از راهپیمایی یعنی ۱۸ بهمن اعلامیه‌ای از طرف جمعی از ترکهای ساکن گنبد (محل قصابخانه) که خود از عوامل آلت دست زمینداران و فئودالهای منطقه می‌باشند، منتشر می‌گردد که طی آن اعلام شده بود از برنامه راهپیمایی جلوگیری بعمل خواهند آورد. سابقه درگیری میان مالکان و سرمایه داران بزرگ محلی با شورای فرهنگی سیاسی خلق ترکمن و نیروهای انقلابی منطقه از قبل نیز وجود داشته است. زمینداران و عوامل ارتجاعی منطقه که بعنوان ترکهای طرفداران شریعتداری شناخته شده‌اند، از اینکه زمینداران بدست خود زمینها را تصرف کرده زمینداران را از زمینها بیرون می‌نمایند بدست هراسان اند. از همین روی همواره منتظر فرصتی بوده‌اند تا به بهانه‌ای کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن و دیگر نیروهای انقلابی منطقه را که حامی پیشتبانان دهقانان زحمتکش می‌باشند مورد تهاجم قرار دهند این فرصت با اعلام راهپیمایی بزرگ اشت سپاهک از سوی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن فراهم میگردد. در روز راهپیمایی حدود ۲۰۰ تن از این عوامل مرتجع در مقابل راهپیمایان اجتماع کرده و اقدام به حمله با سنگ و چوب و... می‌

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

بنده از صفحه ۶ راهبیمائی و ...
(ملت کردیدند - خلق ایران بدانند - مسئولان
رزگاری - نوکریا لیبیا بن) ویا :
ده وله بعن ویا لیبیا بن - رزگاری بان دامه رزان -
وجه با نعت به کوردان - یعنی :
(دولت بعن ویا لیبیا بن - رزگاری را گذاشتند -
برای خیانت به کردها) و ...
پس از این نظرات تحمّن با بیان یافت

سندج در آستانه بحرانی دیگر

اخبار رسیده حاکی است که مردم کامیاران تهدید کرده اند اگر پاسداران از شهر خارج نشوند، همگی کامیاران را ترک خواهند کرد.
در حال حاضر پاسداران و جاشهای مفتی زاده زیر عنوانی از قبیل: "پیشمرگان مطلقان کرد" ویا "پیشمرگان وحدت اسلامی" به خیانت خود ادامه میدهند. آنها با حمایت فعال ارتش و پشتیبانی مستقیم محافل معینی در هیئت حاکمه، کردستان را به سوی جنگ خونین دیگری سوق میدهند. هم اکنون شواهدی در دست است که این خائنین می خواهند با به آشوب کشاندن شهر سندج زمینه دخالت ارتش و سپس سرکوب گسترده تر خلق فهیمان آترافرا هم کنند.
در یکی از روزهای که شهر سندج شهرتخص شده بود، یکی از جاشهای مفتی زاده که خود را تسلیم "گومهله" کرده بود، در حضور مسردم در استانداری طی سخنانی برده از روی توطئه هاشمی که دار و دسته، مفتی زاده در کرمانشاه سدازک می بینند، برداشت. وی ضمن حرفهای خود توضیح داد که چگونه مفتی زاده و جاشهای شناخته شده ای چون "اقبال بیگی"، "عبداله جماران (عبیدبازه)" و "حاجی مسعود" و ... از مدتی پیش در کرمانشاه مسفر شده و دست به استخدام مزدور و ترسیت آنها زده اند تا طرح حمله به سندج را مرحله عمل در آورند. این مزدوران که طبق گفته جاش مزبور تعدادشان به ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر میرسد، بدنام "پیشمرگان وحدت اسلامی" معروف شده اند!
دست این جنایتکاران در حوادث کامیاران نیز بخوبی مشهود بود. تا هذان عینی آنها بسیار رادر کامیاران دیده اند. علاوه بر اینها جاش مسرور "محمد ناهیدی" معروف به "حمه جاوه" نیز با دارودسته، مفتی زاده دیده شده. این شخصی در جریان یورش سراسری رژیم به کردستان در تعقیب و دستگیری انقلابیون در مرزبان بسیار فعال بوده است. حوادث کامیاران توسط همین دارودسته و یکمک سپاه پاسداران کرمانشاه طرحریزی و به اجرا درآمد.
همانطور که گفته شد اکنون سندج نیز در آستانه بحران دیگریست. جاشها در شهر دیده شده اند. با دگان سندج در حال آماده باش کامل است بتازگی قسمتی از نیروهای ویژه، همراه پاسداران به پاسدگان سندج آورده اند و یک ستون نظامی نیز با تمامی تجهیزات (تانک، زره پوش و ...) در فرودگاه مستقر شده است، بطوریکه اکنون تقریباً میتوان گفت که شهر سندج در محاصره قرار گرفته است

بنده از صفحه ۱۸ کرامی با ...
شدند. علاوه بر این، رفقا بدلیل تخصص هائی که داشتند توانستند یک دفتر مهندسی در خیابان شاه سابق، برای پوشش فعالیتها ی مرکزی سازمان تهیه نمایند. مسئولیت اداره این دفتر که بعد از شهادت رفیق حسن (۱۱ شهریور ۵۵) از طرف پلیس کشف گردید، بهمهده این دور رفیق قرار داشت.
رفیق حسن در جریان اعدام انقلابی به مستشار فنی - نظامی آمریکا شای در شهریور ماه ۵۵ به علت استیفاء در فروش اتوموبیل دیگری که سندان همنام سندان تومبیل راهبندان عمل اعدام آمریکا شایها بود، تحت تعقیب مزدوران ساواک قرار گرفت و با رگبار گلوله های جانبا ن ساواک به شهادت رسید.
این شهادت که در محبوه "سرکوب وحشیانه نیروهای انقلابی واقع شد، عزم انقلابی رفیق محبوه را در با بیداری در مقابل مشکلات و مبارزه، خستگی نا پذیر علیه دشمن مدجدان نمود. در این شرایط دشوار، رفیق محبوه همچنان با روحیه ای خستگی نا پذیر سرشار از انرژی و خلوص کمونیستی، سهم بسیار شایسته ای در ایفای وظایف دشوار و فوق العاده این دوره بهمهده گرفت و قهرمانا به در این راه کوشش نمود.
در روز ۱۸ بهمن ماه ۵۵ رفیق محبوه در حالیکه به اتفاق رفیق دیگری، از حوالی میدان دروازه شمیران عبور میکردند مورد سوطن گشتبای کمیته قرار گرفته و با مزور در آن کمیته که تعدادشان بیش از ۵ نفر بود درگیری شونده. رفیق همراه او موفق می شود بجات جنگ و گریز در یورش آتش رفیق محبوه زلزلای اتومبیل ها خود را به دروازه شمیران

رسانده در خیابان فخرآباد با دیدن یک اتوموبیل از منطقه دور شود، اما رفیق محبوه در جریان جنگ و گریز با لایحه در محاصره دشمن قرار گرفته پس از مقاومت قهرمانانه در مقابل دشمن، مورد اصابت گلوله جانبا ن ساواک واقع شده به شهادت میرسد.
(نقل از نشریه منبتی داخلی، اسفند ۵۵)
رفیق محبوه متحدین با چهره ای خونین و با قلبی سرشار از امید به پیروزی زحمتکشان ایران و جهان در راه آرمانهای دموکراتیک - غذا میربا - لیستی و کمونیستی اش به شهادت رسید. صمیمیت صفای انقلابی و تلاشهای خستگی نا پذیر و برای رفقای شای که در روزهای بحرانی سال ۵۵ دوش بدوش رفیق محبوه، شدیدترین فشارهای پلیس را تحمل نموده و یکدم از مبارزه با رزمی ایستادند، فراموش نا شدنی است.
خون رفیق محبوه و صد ها شهید انقلابی دیگر خلق دینی است برکردن ما و تمام انقلابیون راستین خلق. ما و همه انقلابیون راستین ایران در راه تحقق آرمان غذا میربا لیستی، دموکراتیک و کمونیستی رفقای شای چون او، همچنان با عنایت فزونتر به خلق و کینه ای فرا بنده تریه دشمنان خلق در راه ادامه انقلاب دموکراتیک - غذا میربا لیستی میهن در راه استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، و در راه آزادی طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهنمان سرسختان تلاش نموده و یکدم از مبارزه با زخما هم ایستادند.

با در رفیق شهید محبوه متحدین را در سویم
سالگرد شهادت دشمن گرامی می داریم

بنده از صفحه ۱۰ تورم ...
تا شایر قابل توجهی بجای می گذارد.
۳ - اهمیت روز افزون نقش بانکها ...
اهمیت پول کشورهای امیربالیستی نیز با عث بوجود آمدن تورم اعتبار (تورم پول بانکی) میشود. افزایش متناسب حجم وام مصرف کننده رهنسی و ... زاینده تورم است که در مورد تورم پول بانکی و استقرار دولتی تعیین کننده است. لذا این عامل نیز در توسعه و تداوم تورم موثر میباشد.
۴ - نقش انحصارات بزرگ و ...
انحصارات امیربالیستی همواره میکوشند تا برای سود هر چه بیشتر، کالاهای خود را بقیمت گرانتر بفروشند. حتی در شرایط رکود بدلیل سلطه و نفوذ همین انحصارات در قیمت گذاری و مانع از کاهش قیمتها و افزودن بر قیمتها در تداوم تورم نقش مهمی ایفا میکنند. بالا بردن قیمت کالاهای آزوسی این انحصارات بزرگ با عث کاهش قدرت خرید کارگران و توده های زحمتکش میشود. آزوسی دیگر برای تا مین اعتبارات همین انحصارات که توسط بانکهای امیربالیستی به مقیاس وسیع در اختیار انحصارات قرار داده میشود و بدین منظور پول کاغذی بدون پشتوانه نوارد با زار شده و ارزش پول را کاهش می دهد.
ادامه دارد

توضیح درباره کتاب لیست ۸۰۰۰ ساواکی
اخیراً کتاب لیست ۸۰۰۰ ساواکی از جانب "تحدیه کمونیستیهای ایران" انتشار یافته است. منافعه ندر انتشار این کتاب دقت و احساس مسئولیت لازم بکار نرفته و ترین آن حتی توجه نکرده اند که اساسی برخی از شهدا، زندانیان سیاسی که از کوران مبارزه در زندان سر بلند بیرون آمده اند نیز در کتاب آمده است. با توجه به این قبیل موارد و اینکه اکثر اساسی کتاب متعلق به ساواکی هاست (البته عمدتاً کادرهای پائین و خیرچندان و نه عنا صر زیده) این لیست مغشوش و بنظر می رسد که از جانب خود ساواک و در آخرین روزهای حیات رژیم قبلی و برای بدنام کردن مبارزین و ایجاد اغتشاش فکری در بین مردم تهیه شده باشد. با طبع ساواک در این میان مجبور بوده که عده زیادی از کارمندان و عنا صروا بسته بخود را نیز قربانی نماید.
اما موضعی که سخنگویان رژیم در مقابل این لیست گرفته اند بسیار قابل است. آنها ضمن محکوم کردن انتشار این لیست جارفتند که هیچ توضیحی در باره علت عدم انتشار اساسی ساواکیها و چا سویم امیربالیسم و ... که یکسال تمام در اختیارشان بوده به توده ها بدهند. بر اساسی اگر یکی در کفشان نیست چرا چنین می کنند!

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

پرسنل انقلابی ارتش و سالگرد قیام مسلحانه خلفای قهرمان ایران

انقلابی زده است، لایحه مربوط به تعدیل سازمانهای ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوبه ۵۸/۲/۱۲ بهمن خاطر به تصویب رسیده است. بموجب این لایحه درجه دارانیکه کمتر از ۲۰ سال خدمت کرده اند بازخرید و از ۲۰ سال به بالا بازنشست می شوند. پرسنل انقلابی مختاری و زارع زاده و تعداد دیگری از برادران رزمنده - شان در لشکر ۹۲ زرهی اهواز مشغول این لایحه شده اند. رژیم همچنان برای دور کردن هرچه بیشتر پرسنل مبارزان مردم هرگونه بحث سیاسی و خواندن کتاب را ممنوع کرده و وطنی بخشنامه ای به اطلاع پرسنل رسانیده است...

برادران سرباز درجه دار، پرسنل انقلابی نیروهای مسلح!

باافشاری روی خواست اصلی تان نگذارید رژیم حاکم ارتش را چون ارتش شاهنشاهی بازسازی کند. از اعدام، زندانی شدن و اخراج برادران - نشان باحرکات اعتراضی چون اعتصاب، تحصن، راهپیمایی، اعتصاب غذا عدم اجرای فرمان فرمادگان تحمیلی جلوگیری کنید. اخبار یادگان و اهداف ضد انقلابی رژیم را گوش تودهای مردم، کارگران و دهقانان و سایر اقشار طبقات خلق برسانید و آنها را بکک بطلید.

کارگران، دهقانان، روشنفکران انقلابی و مردم سیور اهواز!

سالگرد قیام پرشکوه ۲۲ بهمن ۵۷ را به حمایت از پرسنل انقلابی ارتش و خواست بحق شان تبدیل کنیم... حمایت از پرسنل انقلابی، حمایت از دستاورد های قیام پرشکوه بهمن ماه و حمایت از خون هزاران شهید بخون خفته راه انقلاب است. حمایت از توده های است که برای ایرانی آزاد، آباد و دموکراتیک مبارزه می کنند.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
کمیته خوزستان

۵۸/۱۱/۱۹

کمیته خوزستان سازمان بهمناسبت سالگرد قیام خونین بهمن ماه، اعلامیه ای تحت عنوان فوق منتشر کرده است که در زیر قسمتهای آن را نقل می کنیم:

یکسال از قیام پرشکوه بهمن ماه می گذرد در حالی که... ارتش جمهوری اسلامی می رود تا چون ارتش شاهنشاهی بازسازی شود... و لسی پرسنل انقلابی همچنان بیچاره شان ادامه می دهند.

... هیئت حاکمه که در راه این اهداف ضد خلقی این پرسنل انقلابی مواجه بوده است طی یکساله اخیر به توطئه های بشیرمانه ای علیه آنها دست زده است. خون بسیاری از رزمندگان انقلابی ارتش بر زمین ریخته شده است، بسیاری از آنها به زندانها و شکنجه گاههای رژیم فرستاده شده یا از ارتش اخراج گردیده اند. خزلی مزدور، روزشبه ۲۴/۹/۵۸ در جمع پرسنل یادگان شماره ۲ لشکر ۹۲ زرهی اهواز که بخاطر دستگیری نماینده شان سرگرد پرویز شعار متحصن شده بودند و شعار مرگ برارتجاع مرگ بر آمریکا را می دادند می گوید: از این پس هر کس در ارتش دست به تحریک بزند مثل کردستان که ۹ نفرشان را اعدام کردیم، اعدام می شوند.

بهر روز به روزنا افسرزمنده دیگری است که در کردستان بجرم اینکه دستش را بخون خلق کسرد آلوده نکرد، اعدام می شود، سرگرد فضائی در یادگان دزفول به جوبه اعدام بسته میشود... پرسنل انقلابی در اینجا و آنجا در گوشه و کنار مهن مان به زندان انداخته می شوند. هم اکنون ستوان دوم مرادی، ستوان یکم علی محمدی استوار یکم روشندان و بسیاری از پرسنل انقلابی لشکر ۹۲ زرهی اهواز بجرم خواست اصلی پرسنل (ایجاد شوراهای) در زندان سمری برند. رژیم همچنان به بهانه های مختلف و بکک همان استدلال های آریامهری دست به اخراج پرسنل

درجه داران متحصن در سجداتنگاه هر چند که بیخاسته و در حال راهپیمایی منظم در محوطه مسجد شعارها می مانند: " یک ارتش سوجدی ایجاد باید کرد"، " مواظب طاعونی نابودیا بگردد" و... را تکرار میکنند. نوشته های بعضی از بلاکارده های نصب شده بر دیوارهای مسجد عیار رساند:

" برخلاف درج مطالب کذب بعضی روزنامه های وابسته ما هیچگونه خواسته های صغی و رفاهی نداریم" " بدستور سرتکرنا دمه زرنال آمریکا لسی حقوق درجه داران باز نشده ما کن آلونکهای سازمانی حتمتیه قطع شد." " ما دستگیری و زندانی کردن نمایندگان برحق درجه داران را محکوم می کنیم و خواستار آزادی آنانیم."

★ ★ ★

تحصن و اعتراض درجه داران

نیروی هوایی علیه نظام ضد خلقی ارتش

روبره سبه ۵۸/۱۱/۲۳ عده ای از درجه داران نیروی هوایی بدستال یک راهپیمایی وس ارتکستن ارتحبا بان کارکر (امیرآدماسی) وارد دانشگاه تهران شده و در محوطه دانشگاه متحصن شدند. بعضی از خواستهای این درجه داران مبارزان رساند:

۱ - ابطال حکم اخراج نمایندگان و پرسنل انقلابی ارتش (۵۸/۱۰/۱۱ سعید) ۱۲۵ نفر عناصروا سبه رژیم سابق مورد نظر نیست)
۲ - آزادی کلیه نمایندگان دستگیر شده و اعطای خدمت پرسنل انقلابی اخراج شده و مقصود عناصروا سبه و مرجع سرتسرمانندگان منحسب پرسنل

مهمترین و اساسی ترین خواسته ای که درجه داران متحصن بر آن تاکید دارند، بدیروا حسرای طرح " ارتش سوجدی" میباشد. مفاد این طرح کسه عبارتست از نفی سلسله مراتب درون ارتش به روال گذشته، جایگزینی شورای نمایندگان پرسنل به جای ارتکابهای متحصن کبری سوط فرماندهان سرردور و... مورد قبول اکثریت قاطع درجه داران، سرازمان، هماهنگان... میباشد. نمایندگان متحصنین جدا از طریق سلسله کواچود در نما سب مراجعین دانشگاهی تا کسندی کسند که خواسته های آنها به هیچ وجه منتهی رفاهی بدارد. فعالین و کردانندگان درجه دار بطور مرتب غلبت بخش، با رجه مشاورات خود با فرماندهان جاش را تا کتون و... برای مراجعین و غلامندان سوضح مدهند.

در طول تحس، تکره های مختلف از جمله هماهنگی آن درجه داران نیروی زمینی و... برای اعلام هم سبکی به محوطه دانشگاه آمده و سبکی سی خود را از خواسته های انقلابی متحصنین اعلام می دارند. درجه داران متحصن اگر چه از طبقاتی وسیعی تشکیل شده اند ولی غالب آنها از روحیه سازش - سابدیری نسبت به فرماندهان مزدور و سیستم حاکم بر ارتش برخوردارند.

ما موریس انظامات آنها با سوز فراوان برای کسی که به محاسن کوش میداد، از خانتنها و اقدامات عدل خلقی فرماندهان مزدور و سبک اطاعت کور کورا به در زمان تا ه (فرستادن نیروی به ظفار، کسار مردم در خبا بانها و...) صحبت میکردند. یکی از درجه داران در مورد خانتنها می گفت: " سرازحصن به و مراجع کرده ام و کفتم اگر به خواسته های ما رسیدگی نشود، نتیجه اش سبکداسا - رما سبکی در ارتش و کشیده شدن پرسنل مبارز سبه خبا بانها و راهپیمایی و تظاهرات و... خواهد شد" و خانتنها به سمرات در جواب گفته بود: " در آن صورت ما هم نظر هر کسندگان را سرتکوب خواهیم کرد."

هموطنان مبارز! رفقای گرمی

سازمان ماهمواره با پشتیبانی و حمایت

همه جانبه شما توانسته است اهداف

انقلابی خود را پیش برد.

کمکهای مالی خود را از هر طریق که

میتوانید به دست ما برسانید

● ● ●

همه قرارداد های اسارت آور امپریالیستی باید لغو گردد!

برخورد تژادپرستانه چمران در ارتش

بایگاہ حر (سأهرجی سابق) از تعداد ۲۱۵ نفر از پرسنل اخراجی بایگاہ حر حدود ۱۵۵ نفر کدومی ساند. نام این افراد در کنار افرادی کذا شده اند که قبلاً با ساواک همکاری داشته اند. اما افکار عمومی راست بد آنها بدبین کسند و آنها را سیر "تذاتلائی" و ساواکی تلقی نمائند. در صورتیکه فرادوانسه در رژیم سابق همچنان در مقام خود است. نه اند و خود در پیوستن اسلام، پرسنل انقلابی ارتش را تذاتلائی معرفی کرده و فرماندهان ارتش دستور تصفیه آنها را صادر می نمایند. ۱۵ نفر فوق الذکر بحاضر گردیدند مورد مصیبت قرار گرفتند. اما آنها در برابر چنین اقدامات عدالتطلبانه و منوادم کرده و از سوبه حساب امتناع نموده اند. اخبار دیگری سآکند میکنند که اکثر پرسنلی که بعنوان تذاتلائی تصفیه در نیروهای مسلح اخراج شده اند آنها مان کرد بودند. حتی بودن می ساند.

چمران استعمال بمب خوشه‌ای را علیه خلق کرد مجاز میدانند

بایگاہ حر (سأهرجی سابق) یکی از فرمانان اسبایگاہ راهانه انجام درگیری سآمقام و ارتدفاع (چمران) تصفیه کرده اند. چمران از این تزار بوده است که هنگام سرکوبسب مبارزات حق طلبانه خلق کرد، چمران سبایگاہ آمده و در مورد بنیادان کردستان سآمبانی خونهای B.C.U. دسوراسی می دغد. سآند توجه داشت که این بمب دارای اسراب تحریمی و کسند و زیادی است و استعمال آن در حرکتی در سطح بین المللی ممنوع است و آمریکا بحاضر استفاد آن در جنگ ویتنام بارها در افکار عمومی جهان محکوم شده است. این دسور چمران موردا اعتراض خلیمان مذکور تزار گرفته سبچمران می گویند سآشما از شراب و سآبرکترو کسند آن خبردارید یا خبر؟ چمران در جواب می گویند: "تنها راه بازگرددان امنیت سبکردستان استفاده از این بمب می ساند".

تصفیه عناصر مبارز زیر عنوان "پاکسازی"

ارتش جمهوری اسلامی، در کنار ایجاد ارتش برای تقویت عقاید، عناصر مبارز و مترقی دورن ارتش را نیز تحت عنوان پاکسازی ویا سآلمسآزی تصفیه و اخراج می کند. اخیراً سرتیب فلاحی فرمانده نیروی زمینی، دستور العملی سآشماره ۴/ ۸۹ / ۴۰۲ مورخ ۵۸/۱۰/۲۵ صادر کرده و ضوابط برکناری پرسنل نیروی زمینی را متذکر شده است. از جمله این ضوابط در بند ۷ و ۸ این دستور العمل چنین آمده است: بند ۷ - پرسنلی که پس از پیروزی انقلاب از امر ما فوق ترمردوباً از قبول مسئولیت امتناع ورزیده اند. (یعنی هرکس که مخالف اطاعت کورگورانه

با عدم شمول تصفیه می شود). بند ۸ - پرسنلی که پس از پیروزی انقلاب منحصر شده و یا گزارش دسته جمعی داده و یا تحریک بدتخص، کمکاری، سآفرمایی و بی انضاطی نموده اند. (با تویل سباین جملات کسند ارتش، فرماندهان مزدور، هرکسی را که مایل سآند، منوادم تصفیه کنند!) ■

رئیس ضد اطلاعات در ارتش آمریکایی شاه بجای محاکمه به افتخار بازنشستگی

در حالیکه پرسنل انقلابی ارتش را کدر انقلاب سوبزه تناس ۲۲۴ سبمن بخش فعالی دانستند، سآخرید و تصفیه می کنند، فلاحی رئیس ضد اطلاعات در ارتش آمریکا نشی ماهه افتخار بازنشستگی سآتل می آید. بدمن سندریر توجه کسند: شماره ۷۰۹ - ۵۶/۱ - ۷۲ / ۱۳۵۸/۱۱/۶

- بازکنش شماره ۲ - ۴ / ۷۰۱ / الف ۱۳۵۸/۹/۱۷
 - ۱ - افسر با دنده بالا ارتش ریح ۵۸/۱۰/۱ سرابسر ماده واحده سآفخار بازنشستگی سآیل گردسبده است لذا مدارک سآرتوجه زیر به سبوست تقدیم می کردد. صما سعرفند، سآ، ۱ مشاور الیه در اداره دوم سآدمی سآند.
 - ۲ - مراتب جهت استحضار و مزکوبه کار سآسته سآ عرض می رسد.
 - فرمانده بایگاہ هشتم تگاری سرهنگ خلیمان بصریان
 - ۱ - رونوشت ماده دستور بازنشستگی بیکبرک
 - ۲ - فتوکپی شناسنامه
 - ۳ - رونوشت ماده دستور آستخدام
 - ۴ - عکس ۶×۴ پرسنلی
 - ۵ - کروکشی محل سکونت
- ۶ قطعه
۲ سآرک

تحریک علیه کمونیستها و نیروهای مترقی در ارتش

بایگاہ حر (سأهرجی سابق): در ساعت ۶ و ۴۵ دسند عصر روز ۵۸/۱۱/۱۷ هنگام سبایش فیلم موسی در سآس سنمایی بایگاہ حر، حجت الاسلام علی اکبر رضوانی، سبایگاہ ام، دستور داده که فیلم را تفیل از سآسراکت منوقت کسند، سآگاہ خبر چنین اظهار داشت:

سوجه! توجه! من علی اکبر رضوانی نما سبده ام، سآشما صحبت می کسند. خواهان و سآرادان بایگاہی! همگسون که ما شمول سرکزاری حشیر سآکوه سآلکرتذاتلائی سآلامی مان هشتم گروه سبای مخلف در صد سبهم ریختن این جشن بوده و از هر فرصتی برای سبندیل این جشن سبغیرا استفاد می کنند. از سآمی خواهیم کسآنی را که شتمیم (!) سبدموکرات و کمونسیت بودن سبسنند، رفت و آمدهای آنها را هوشیارانه سربینظر داشته سآند و هر حرکت متکسوک آنها را سآساحت سآما مورس انجمن اسلامی (کار همان تذاتلائیات سابق را می کند) و گروه ضربت اطلاع داده تا فوراً در مورد آنها اقدام سآنودضمناً سآراقب منزل آنها سآیرا سآند.

اگرصدای سبیرانداری سبندید سآلقتظیه هرکسی که اسلحه دار سبده سآمد سآرا جمع سآند و خود سآیرانداری سآکند و یا هرکاه از سبندگویی سآمد اعلام کرد سبم، هر کس اسلحه دار دسبدون درت سبم سآمد سآند.



بایگاہهای سآرمانه داری واسنه می سبند، سآستد سآعدا ارشایانی کذا سآامی دهد، ارتطیر رادسبو و سلویریون و علامیه های آتجانی سآدم مردم رادسبو انقلابی دسبوت کرده و صحبت رافراد محبول السبوه می کنند، در حالیکه غلامی ها، عزیری ها، آسبح علیها، سآکرسبها و... را همد همشیران مآمی سآسند...

این حضرات کاکم شرع اجازه تریکت در مراسم ششیع جنازه سبند "جنتی" را نمی دهند، سآرای سبکسب از آتگاه سآند زحمکسان سبترسند، از سبتر سآ سآوازه شهدا و خا سآوازه کتا سآفروشیهای خسارت دسبده سبترسند...

ما سبهمراه سآمی نیروهای انقلابی از مردم مبارزمان سبخواهیم که قاطعانه... (سآرای) دستگیری و محاکمه سآملس حوادث اخیر (حمله سب مراسم، حمله سبکنا سآفروشیها، حمله سب ششیع جنازه و...) سآطوراً انقلابی سآفشاری سآموده و سآچهره کثیف سآملس ارتجاع را آفتاب سآمایند.

در دسبه جنتی شهید، این سآند سآوائی ارتجاع! در دسبه سآمی شهیدی راه آزادی و استقلال! مرک سآرا سبیرا لسیم آمریکا دشمن اسبلی خلقهای ایران!

ارتجاع در سالگرد قیام حادثه آفرید

در جریان بزرگداشت سببرد قهرمان سآسبنا هکسل در سبوجسد، سبسنیال بورش سآسآران و سآامسبیل ارتجاع سبشرکت کسندگان در مراسم، دسآسآموزی سآنام سآمودجنتی موردا سآبت گلوه فرا رگرفت و سآ شهادت رسید.

در علامیه ۵۸/۱۱/۲۰ هوا داران سازمان پیکار در سبوجرد که در این رابطه سآمشتر شده میخوانیم: "مجران رژیم سآصلاح انقلابی سبجای حفظ و خراست از آزادیهای دمکراتیک و آزادی سآغل و سلوگیری از عوامل آتجا دکننده هرچ و مرج، خود سب سآرماندهی جهت لگدمال کردن و سرکوب آزادی های بدست آمده دست می زنند.

سآرای سبکسب حاکمیت خود را در مستحکم کسردن

درماهای اخیر تورم در کشور ما به مسز وحتناک ۲۵۰ رسیده است. نسبت هاشابه روزی بالا میروند. بسیاری از محصولات اساسی مورد نیاز مردم در بازار پیدا نمیشوند و معیای طولی برای خرید این محصولات معصای است آشنا برای همه - جدول ۱ تا بالا رفتن قیمت برخی از اجناس مورد نیاز مردم را نشان میدهد. طبق جدول ۱ که برخی از کالاهای مورد نیاز مردم را نشان میدهد. قیمت شیر ۲۵۰، ماست ۸۰ درصد و تخم مرغ ۷۵ درصد افزایش داشته است.

معمولا کشورهای سرمایه داری نرخ تورم را تا حدود ۱۰ درصد، یک رقم متعادل میدانند حال آنکه رقم ۴۰٪ نرخ تورم کشوری در کشور ما نشانگر این است که بحران اقتصادی به مسز خطراتکی رسیده است و زندگی زحمت - کتان تحت این فشار اقتصادی که گوشه دیگری از آن سبکاری روبرو شده می باشد، شدت و خیم شده است. بهمین دلیل است که علیرغم توجه های مقامات روحانی و دولتی حسنی، بهر آنچشم اعتصاب و دولتی زخم سرکوبی که همیشه ها که انجام میدهد و نیز علیرغم اینکه هنوز خود-

های زندگی از خلق حکومت فعلی اصدوارند، صدمات دهنده اعضا میات کا زگری روبرو شد است و ناشکرانعلی روهی لای میا رزانتوده ای است. همان اقلتانی که از دول فیل آغاز شده و در یک دوره منجر به سرکوبی سلطنت یهنوی گردیدند و اعتبار در ادامه توسعه خود میورد تا قدرتمندان کشوری را از حاکمیت بزرگ کند. ما در این مقاله استدلالی درکلی مسئله تورم و علل و ریشه های آنرا مختصرا مورد بررسی قرار داده و سپس مسئله تورم در کشور خود ما می پردازیم:

تورم چیست؟

تورم عیده ای است مربوط به هاجم سرما به داری. سیمار ت دیگر مسئله تورم، مسئله ای است که در زمان گر بشته آن در وجود سرما به داری می باشد. زمانی که سرما به داری وجود دارد تورم هیچگاه از بین نمی رود. اما تشخیص آن "طرفدار سرما به داری" با وقاحت خرجه بیشتری در توضیح مفهوم تورم می - گویند که علت تورم با لاف زدن دستمزدها در کار می - باشد. آنها معتقدند که چون دستمزدها در کار بالا می زود سرما به داری نیز تا چار "میشوند قیمت کالاهای خود را برای اینکه فروتن کنند، بالا میروند و در نتیجه قیمت کالاهای افزایش پیدا میکند. این "توضیح" اینها بادر همان شادانی می خورد که از محسنت سرما به داری دا سخن میدهند. همه میدانند که دستمزدها در کار مهم کمی در هزینه تولید دارد و افزایش جزئی دستمزدها در کار تا شبر زمین کننده - ای بر قیمت کالاهای ندارد و تازه کارگران هم سلط وجود تورم است که دست به اعتبار میزنند، تا زندگی خود را که نمی توانند تامین کنند، بالا افزایش دستمزدها را نمایند.

علل تورم در کشورهای امپریالیستی

تورم در عین اینکه عیده غرق قابل علاج نظام سرما به داری است، مع الوصف در عمار امپریالیسم بدلیل ویژگیهای سرما به داری امپریالیستی، این عیده و عملکرد آن ایسا دستبار گسترده تروپبجیده -

**تورم و تأثیر آن بر زندگی
نور از چمتکشان - ۱**

کالاهای گران شده

کالا	قیمت قبلی (تومان)	قیمت فعلی (تومان)
شیر ۱ لیتری در کار	۱	۲۵
شیر ۲ لیتری در کار	۲	۵۰
شیر ۳ لیتری در کار	۳	۷۵
شیر ۴ لیتری در کار	۴	۱۰۰
شیر ۵ لیتری در کار	۵	۱۲۵
شیر ۶ لیتری در کار	۶	۱۵۰
شیر ۷ لیتری در کار	۷	۱۷۵
شیر ۸ لیتری در کار	۸	۲۰۰
شیر ۹ لیتری در کار	۹	۲۲۵
شیر ۱۰ لیتری در کار	۱۰	۲۵۰
شیر ۱۱ لیتری در کار	۱۱	۲۷۵
شیر ۱۲ لیتری در کار	۱۲	۳۰۰
شیر ۱۳ لیتری در کار	۱۳	۳۲۵
شیر ۱۴ لیتری در کار	۱۴	۳۵۰
شیر ۱۵ لیتری در کار	۱۵	۳۷۵
شیر ۱۶ لیتری در کار	۱۶	۴۰۰
شیر ۱۷ لیتری در کار	۱۷	۴۲۵
شیر ۱۸ لیتری در کار	۱۸	۴۵۰
شیر ۱۹ لیتری در کار	۱۹	۴۷۵
شیر ۲۰ لیتری در کار	۲۰	۵۰۰
شیر ۲۱ لیتری در کار	۲۱	۵۲۵
شیر ۲۲ لیتری در کار	۲۲	۵۵۰
شیر ۲۳ لیتری در کار	۲۳	۵۷۵
شیر ۲۴ لیتری در کار	۲۴	۶۰۰
شیر ۲۵ لیتری در کار	۲۵	۶۲۵
شیر ۲۶ لیتری در کار	۲۶	۶۵۰
شیر ۲۷ لیتری در کار	۲۷	۶۷۵
شیر ۲۸ لیتری در کار	۲۸	۷۰۰
شیر ۲۹ لیتری در کار	۲۹	۷۲۵
شیر ۳۰ لیتری در کار	۳۰	۷۵۰
شیر ۳۱ لیتری در کار	۳۱	۷۷۵
شیر ۳۲ لیتری در کار	۳۲	۸۰۰
شیر ۳۳ لیتری در کار	۳۳	۸۲۵
شیر ۳۴ لیتری در کار	۳۴	۸۵۰
شیر ۳۵ لیتری در کار	۳۵	۸۷۵
شیر ۳۶ لیتری در کار	۳۶	۹۰۰
شیر ۳۷ لیتری در کار	۳۷	۹۲۵
شیر ۳۸ لیتری در کار	۳۸	۹۵۰
شیر ۳۹ لیتری در کار	۳۹	۹۷۵
شیر ۴۰ لیتری در کار	۴۰	۱۰۰۰

جدول ۱ - ضمیمه قیمت برخی از کالاهای در دست ۹۰ جا. بهین از کشیا م بهین ماه ۵۲ - ۵۳. معافیت بکشیان در پوشش ۱۸. شهری ماه ۱۳۲۵.

خری ها گفته است تا رجمه توسعه عظیم دستگاه اذاری نقش دولت در این نظام م عملیات ویژه شدن سیمانی این همیشه اقتصاد دوشن ایضا رات در قیمت گذار و بهیها و سرما به گذار بهیها نقش با می ستر از بهین و شمبمسن - کنند با نکجا و نقش بوز در این نظام در بوشلمسه و تدوام تورم در نظام سرما به داری امپریالیستی دارای نقش اساسی هستند.

۱ - نقش دولت های امپریالیستی در ایجاد تورم

دردوران کشوری نقش دولتها ی امپریالیستی در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بهر آن رشد توسعه و بزوا میزون دستگاه عظیم ااداری، هزینه های سرما و رمخا رج نظامی و مساجد تسلط حاکمی، اعمال ساحتها ی خجا و زکا رانته و توسعه روز افزون، نهادها و دستگاه های سرکوب و حفای با بگاه های گسترده و عظیم نظامی، اما زمانهای جاسوسی توسعه مد و ما شین سرکوب نظامی و مخا رج عظیم تسامحات نظامی (مانند جنگ ویتنام و هندوچین، جنگ کره و...) هزینه های عظیمی را بخود احتما ی میدهد.

دولتها ی امپریالیستی برای تا بین امسن هزینه های کلان و مخا رج عظیم انجاما به بهیسا ب مخا دیوز با بیول کا غدی بی پشتوانه و اوزد کردن آن به تا زار می کنند (۱). ورود این پولهای کاغذی

(۱) - برای توضیح این مسئله لازم است به نقش بیول هم توجه کنیم بیول کاغدی همانطور که میدانیم معادل منادلات در بازار می باشد. ضمنی که حسنی را تولید کرده و برای فروش به بازار آورده است، بجای اینکه این حسنی را کالای دیگری معا و نه کند (مانند ماه با ای)، حسنی خود را بیول معا و نه میکند و بی بیول کاغذی که خودی خود ارزش ندارد و از نظر ارزش منادله بیول کاغذی تا آن حد متواضع است! او ایعا رواقعی داشته است که واقعا نامیده مندار طلای معادل ارزش کلان مورد معامله شود تا اسن بیول بتوان معادل آن طلا دریافت کرد. مثلا اگر ایران یک تومان بیول کاغذی خود را فرا معا دل یک

بی پشتوانه سها زار را با دستور و در تمدن او و وعبر - قابل علاج آن نقش اساسی دارد.

**۲ - میلیتاریزه شدن اقتصاد
کشور های امپریالیستی**

تولید تجهیزات نظامی و وسایل سرکوب که بخش قابل توجهی از نیروهای تولیدی را بخود متخصص میدکند، همانند تولید کالاهای مصرفی، قدرت خرید بی وجود می آورد. در حل لیکه متقلا در مقابل این قدرت خرید اضافی بهمان انداز تولید برای مصرف این قدرت خرید ایجاد نمیکند. این عامل وقتی در کنار رفتن انحصارات بزرگ در تولید کالاهای تجملی و کندبندی این سیستم در نظر گرفته شود، به خصوص مشاهده میشود که چگونه بطور روز افزونی فائده سیمسن سختی از سرما به که در زمینه تولید کالاهای سرما به ای سکا گرفته میشود و بخشعی که در زمینه های تولید کالاهای مصرفی و تولید کالاهای تجملی و... زیاد وزیا در دست میشود که این خود در نشانددها و م خسورم

گرم عطله قرار داده میا خشت زمانیکه بتوان ما بسک بتوان بیول کشور ۱۰ گرم طلا خریده ایی کرد، خسا می ۱۰ گرم بیول کشور ۱۰ (تومان) بتفهیزی شکریده است. نامعنا رت بهیگر تومان قابل تبدیل به طلا است حال امین شوال بیستی ای آجده که در یک کشور معفدا بیول بیول کشور یک کار را در حال حاضر است و واضح است که ایس پیدا بیول کشوری خواهد بود. دلخواه ما شد. مثلا اگر بیول کاغذی در بازار را روان ماخذ (بسی دولت بیول کاغذی به معقاس وسیع جا ب کند) و در مقابل معادل این مقدار را بیول کشوری دادی در کشور معمل نموده باشد بیول ارزش خود را از دست میدهد، سمی قابل تبدیل به طلا سبت.

مقدار بیول لازم برای گردش در مدت معین فیصل از هر چه بزرگتر است به مجموع قیمت کالاهای در گردش است. مثلا به سیران سرمت گردش بیول سیر برای تمین مقدار بیول لازم برای گردش کالاهای در کشور معفدا را گویند. بهی خرجه بیول سرمت گردش کید سیمان است اندازه مقدار کستری بیول برای گردش کالا لازم است و سرفکس مثلا اگر درآمد معین (بکالی) کل قیمت کالاهای مورد فروش ۱۰ میلیار تومان باشد و هر تومان بطور متوسط ۵ بار گردش کند، در این صورت برای گردش مجموعه کالاهای حدودا دو میلیارد تومان بیول لازم است. - یعنی حق را یکسانی (بیول کاغذی) مورد نیاز از برای گردش کالاهای که ما مشاهده از مقدار طلا سستی است که برای گردش کالاهای لازم است حدودا ۴ میلیارد تومان است که در این صورت قدرت خرید بیول کاغذی (بکالی) متنا سیمنا قدرت خرید طلا میا اعد.

اما دولت های نماینده سرما به داری را بحدود توجه به سیمنا زندنیهای واقعی گردش کالاهای در جهت منافع سرما به داری و مقابله با تناقعات نظام سرمای به داری دست به جا ب و ابتا را یکسانهای بدون پشتوانه سیر سنگد در حفقت مقدار اسکاس در گردش سنا ز معفدا لازم برای گردش کالاهای کشور، لذا ابتا ریش را با ادا راه اسکاس که کا هن ا ریش آرا بدیال دار داشته است تا تورم بیول.

تورم که خود سافت امرا این نسبتا بتود سبتن از همه سر حکمتان فشار وارم کند، سیرا سوت امراسن دستمزدها در کار و همی بطور در آمد دیگر زحمتکشان شهری و در سیرت امرا سبت کالاهای مورد احتما عتاس سبار کمترا است. البته در معفه ۶

شبه از صفحه ۲

مومع ما ...

از مبارزه که توسط بورژوازی گسترانده میشود. در این عرصه رقابت میان جناح های مختلف بورژوازی آزاد است، عقب نشینی کل بورژوازی در برابر بر فشار مبارزه طبقاتی خارج از پارلمان و خواستهای مردم تا حدودی معینی که مصالح با لایه طبقه بورژوازی جا زده میدهد تا از قدرت و متقا بلا میشود. بورژوازی در این شرایط فشار مبارزه طبقاتی خارج از پارلمان و منافع تحکیم هر چه بیشتر و گسترده ترها کمیت سرمایه از طریق تصویب قوانین مانع سد نیز آزاد است!

آزادی در پارلمان تا این حدود برای بورژوازی مطلوب و مفید است، زیرا تران، "حوسم" آزادی" مطلوب بورژوازی شکسته میشود و این دیگر برای او نمیتواند قابل تحمل باشد.

غرض از ذکر کلیات فوق، روشن کردن اینس فرس است که شده است که کمونیستها به پارلمان و منجمله مجلس شورای ملی کشوند. "چشمه یکنی از نهای دهای سیاسی بورژوازی نمی نگرد. آنها نه منصفند که میتوان از طریق پارلمان، قدرتمندی را بیخ طیفها را گرد و تنده های زمکشی بکشد و رفته برون آید. با ورنده که از طریق پارلمان و شویوت قوانین می توانند تا حدتد تشریحین کنند ه ای در سه بودی و فیهیست. طیفها که از گروز حکمتگان جا بعه موجود آ ورنند. اینس سخن با زها گفته شده است و با زها گفته ایم.

اما علسرغ آنها، همچنانکه با زهم با رهسا گفته شده است، کمونیستها شرکت در پارلمان بورژوازی را سبکیا برای همیشه و بسوا با یک اصل نفسی حسی کنند. تمام تجربیات پیشین، جنبش انقلابی، کارگری، و کمونیستی سن المللی و تمام اصول شوریک پذیرفته شده از جنبه کمونیستها بر جنبس مسئله ای تاملند آید.

کمونیستها به پارلمان بعنوان عرصه ای از مبارزه طبقاتی می بگردند که مدتی آن می باشد. نظامات موجود و مظلومین مختلفا برای طبقه کارگر و تنده های که به چنین مومعاتی دل بسته اند افشانی بندویه آنها نشان دهنده که پارلمان سرمایه سی نیست و با بد از آن دل کندویه انقلاب دل ست! کمونیستها نه در پی بدیت آوردن کوسهای پارلمانی بلکه از پی کارگزاران کارگزاران در میان تنده های کسه وسیعاً در مبارزه انتخاباتی شرکت می جویند. از پی نزدیک شدن به تنده ها، از طریق یکی از ابزارهای که بورژوازی در اختیار آن قرار داده است، در انتخابات پارلمان شرکت می جویند.

اما موفظرا از این اصل کلی شوریک، که دیگر نیازی به توضیح بیشتر آن نیست و یک اصل اشکات شده و پذیرفته شده است، مجا ز بودن کمونیستها در عمل برای شرکت در پارلمان، بسته به شرایط مشخص و معینی است که در هر لحظه در آن جا معما کتبت دارد. معیار رت دیگر کمونیستها در چنین مقاطعی، سیاست با از پیایی، مشخص سیاسی از جا معما انتخاباتی کتبت صحیح نیست به پارلمان مباردت ورنند. ما مسلط شیمین است این شرایط معما مبارزه طبقاتی است که در جا معمریان دارد. زما نسکه ما در جا لست بكون و آرا من قرار داده تنده ها سنگری طبقات مسلط را تحمل می کنند، زما نسکه ما زره طبقاتی هنوز مراحل اولیه خود را از سر می گذرانده تنده های وسیع را در برنگرفته است، زما نسکه اکثریت تنده ها ضرورت انقلاب و دگرگونی بنیادین جا معمایی سرده اند، و با زما نسکه تنده ها سپردلیل از نیروهای

سایح حاکم سریده و نسبت به آنها دجا رتومها شد کمونیست ها سیاست از پارلمان بنا به یکی از عرصه های فرعی مبارزه طبقاتی برای بسنسد اهداف انقلابیست و سود جویند.

با لکسی زما نسکه اعتلای انقلابی سراجا معما و اکثریت تنده های تحت ستم را در برنگرفته باشد، زما نسکه تنده ها در تجربه مبارزاتی خود با زور ستم حاکم دل کندویه مندی، به همجوینی و خج خود در جا و چوب حفظ این ستم، نمی با ست. زما نسکه اکثریت تنده های تحت ستم، مبارزه طبقاتی را بطور وسیع و همه جازبه ای در عرصه های ملی مبارزه بگریست.

یک جنب غیر معقول از مراحل مختلف مبارزه طبقاتی نمود. آنها هنوز به راه طهای بورژوازی دل بسته اند و این دل بستگی ریشه عمیق در شرایط معینی و ذهنی موجود در جا معما دارند. آنها باید در تجربه تاریخی خود به بحالت راه طهای بورژوازی و منجمله شیوه های پارلمانتاریستی، مبارزه مسلحانه بند. این تجربه تاریخی معنی معنوعاً ایجا دنمیشود" (لنین) بلکه در نتیجه تکامل تاریخی مبارزه طبقاتی حاصل میشود.

ذهنیت معنی خوا هد بودا گریجویم. در شرایط کنونی، تنده ها از بورژوازی دل بریده اند و از مومعات بورژوازی از قبیل همین مجلس شورای ملی

● شرکت ما در این انتخابات در حال حاضر و بسا به شرایط موجود، مستقل خواهد بود. لیکن این استقلال در شرکت به معنای آن نخواهد بود که ما نسبت به دیگر نیروها و نامزد های انتخاباتی آنها بی تفاوت بمانیم.

● ما معتقدیم که نیروهای چپ انقلابی، اکنون که بهر دلیل امکان اتحاد عمل آنها فراهم نشده است، حداقل مویا یست برای تقویت این نیروها در چهار چوب صفوف نیروهای دموکرات و ضد امپریالیست از یکسو و در برابر جنبه "نیروهای ارتجاع و امپریالیسم و هیئت حاکمه از سوی دیگر، از کاندیدا های یک یگر حمایت نمایند.

چشم بگردگفته اند. زما نی که هیئت حاکم تنده های میلیونی را به معما بسا ز خود به عرصه مبارزه با آنها می کشاند، و بطور میلیونی بهای مندو قهای رای ... در آخرین انتخابات (انتخابات تریاست جمهوری) بیش از ۱۴ میلیون نفر برای مندو قهای رای رفتند! اینها واقعیات انگارنا پذیر هیستند. تجربیس انتخابات مجلس در جنب شرایطی جبهت معنی چپ روی کودکا نه است.

لنین می گوید:

" اگر سیم که معما " میلیونها بلکه مریایک اقلیت نسبتاً قابل توجهی هم از کارگران صنعتی بدنیال کنیستان کاتولیک می روند و از کارگران روستا بدنیال ملاکین و کولکها میروند، آ نوقت از اینجا بدون هیچگونه تنگی چنین نتیجه میشود که پارلمان تا بهم در آلمان هنوز از لحاظ سیاسی کتبت شده است و شرکت در انتخابات پارلمانی و مبارزه از پشت تریبون پارلمان برای حزب پرولناری انقلابی ما مسطور تر است نسبت به سایر عقبا ما نه طبقه خود رسداری و تنویسر افکار تنده روستایی تکامل نیافته، تنویس خورده و نادان حسی است."

(بیماری کودکی، چپ روی)

لنین از یک " اقلیت " نا آگاه و بدنیال لسه رو بورژوازی سخن می گوید: که وجود آن دلیلی کافی برای شرکت در پارلمان بورژوازی است، در حالیکه ما نه با یک اقلیت محدود بلکه با اکثریت تنده نا آگاهی روبرو هستیم که علسر غمنا زما پنی اروضع موجود به زیم. و پارلمان و معما هرا طهای شیوه های بورژوازی دل بسته اند. آیا کسی هست که چنین واقعیاتی را انگارنا بد؟

برپا به از پی اروضعت سیاسی موجود است که ما بد در انتخابات شرکت مست و ما خود نیز در این انتخابات شرکت میکنیم.

ما به تنده ها خواهیم گفت: بسیار خوب! اکنون که شما به پارلمان دل بسته اند، اکنون که شما فکر می کنید که می توانید با گسیل داشتن شما بدنگانی به پارلمان آن را بسک شاد مردمی و منطقی بسا

می اندازند، و با لکسی زما نسکه سراجا معما طبقاتی نویسکه نعو: انقلابی فریبدا لقوق: رای می دهه ای در تجربی شرایطی شرکت در پارلمان نه ای بورژوازی به عقب کشاندن تنده ها از انقلاب و جلوگیری از بسط و اقصی مبارزه طبقاتی و انقلاب و کشاندن تنده ها به راه پارلمانتاریسم و جلوگیری از استکار انقلابی آنها در جهت نفی تمام نظامات موجود در عرصه مبارزه است.

این است ملکت و میزان اصلی شرکت با عدم شرکت کمونیستها در پارلمان های بورژوازی در هر لحظه ای از جبهات سبلی جا معما.

۳ تاکتیک ما یعنی شرکت در انتخابات

سیاست مبارزاتی ما در این عرصه مبارزه طبقاتی اکنون در حالتی است که انتخابات مجلس شورای ملی برپا به همین ملاک و معیار، منصفند. کما بعد در این انتخابات شرکت جست و مبارزه را در این عرصه نیز به پیش برد.

نکی نیست که مبارزه طبقاتی در جا معما ما رو به اختلافات و هر روز نیز تنده های بیشتر از کارگران و سایر طبقات و اقشار خلقی را در مبارزه با طبقاتی در کمیزی تسلیم.

نکته نیست که محور آن اقتصادی - اجتماعی موجود معمران سیاسی را در "بالا" و معمران انقلابی را در "پایین" روبرو بسنسد گسترش می دهد. اما این کافی نیست، آنچه که مهم است و ما را در انتخاب تا کتبت صحیح در این مورد جاری مریاند، بسط مبارزه طبقاتی در جا معما و درجا اعتلای انقلابی در میان تنده ها است. این سطح از مبارزه و این درجا از اعتلای شرایط کنونی اجاب می کند که چنین شرکتی را ما زیمرد. هنوز تنده ها به غیر بیشتر آن خود، در سطح وسیعی نسبت به قدرت سیاسی حاکم دجا رتومها آید. هنوز خواستهای مطالبات انقلابی را از این رژیم طلب می کنند و سراجا معما با ورنده که قدرتمند است کونی بتوانند به این خواستها و مطالبات پاسخ گویند. این واقعت راحتی ما در لوخترین افراد نیز نمی توانند نفی کنند. هنوز تجربه تاریخی تنده ها، در نفی قدرت سیاسی حاکم، با رورننده است. این تجربه نه با اراده ما، بلکه در جریان تجزیه تاریخی خود تنده ها با رور میشود، تنده ها را نمیتوان وادار به

خواست‌ها و مطالبات خود را ببلات خود بدل کند. اکنون که شما می‌خواهید بهبودی واقعی واقع شود، باید خود را از طریق تصویب قوانین دربارلمان تحقیق کنید. ما همراه شما در این انتخابات شرکت می‌کنیم و نه عرصه مبارزه با رلمان، در صورت امکان کام می‌بهریم. ما در تجربه خودمان به شما نشان دهم که شما هم می‌توانید در رلمان یک تصور باطل و کاذب را با زدن تجربه خودمان نشان دهم که راه حل واقعی بهبودی واقع شدن رلمان بلکه انقلاب است. ما را با قاطعیتی کمترین در این مسأله همراه ما خواهیم بود. و بر بدی ما را هم که در جریان همین مبارزه با روران ما را نشان خواهد داد.

شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی را باید بدانیم. برای این امر آگاهی و تجربه انقلابی بوده است. در مبارزه طبقاتی و بی‌سود هر چه فرودتر ما بوده‌ایم، تبدیل ما به: اما هیچ‌گاه نتوانیم تبدیل به یک عرصه مبارزه با رلمان کنیم. عرصه مبارزه با رلمان در آن عرصه‌هایی است که بوده‌ها خود را بکار جوش در هر جا و مکانی که زندگی می‌کنند و در تولید نقش ایفا نمی‌کنند. می‌توانیم با روران را به جبران می‌اندازد.

شرکت در انتخابات مجلس را باید به عرصه‌های برای انسانی نظام موجود، محکوم است. ارتجاع و اصلاحات موجود و ما می‌توانیم در حفظ و برای سیستم موجود نشان دهم و در برابر روران انقلاب قرار گرفته‌اند. انسانی حطت ضد انقلابی سوز و آتش را در هر شکل و رنگی که دارند، انسانی سیاست‌ها و سیاست‌های خود را سوز و آتش مرفه‌سنجی تبدیل ما به.

شرکت در انتخابات مجلس شورای ما به عرصه‌ای بدل ما به کدهایی آن هر چه بیشتر زمینه‌ساز زندگی طبقاتی روران است. انقلابی و سوسیالیستی و اصلاحات با روران دموکرات و ضد امپریالیست فراهم کرد.

شرکت ما در این انتخابات در حال حاضر و شما می‌توانید موجود مستقل خواهد بود. لیکن این اصلاحات در شرکت به معنای آن نخواهد بود که ما به سوسیالیست روران و ما مردم‌های انتخاباتی آنها می‌توانیم بقا و بقا می‌توانیم.

ما معتقدیم که روران با انقلابی، اکنون که به دلیل امکان اتحاد عمل آنها فراهم نشده است (۱)، حداقل می‌توانیم برای بقا و بقای روران در جوار جبهه صفوف روران دموکرات و ضد امپریالیست است. روران در برابر جبهه روران ارتجاع و امپریالیست و هیئت حاکمه از سوی دیگر، آرکانند. این یکدیگر حمایت ما به شد. و این اولین وظیفه آنها در طول انتخابات است. روران جبهه، صرف نظر از اختلافات که ما به پیش می‌ماند، پیش از حمایت از روران دموکرات و ضد امپریالیست، در برابر یکدیگر متحد و وظیفه ما رندومی است. شما هم می‌توانید در این مبارزه معنی‌یاری رسانند. ظفره رفتن از این اصل ساده و اولیه به معنای روران گذاشتن سیاست کمونیستی و محدود کردن مرزها در عرصه

(۲) - در حال حاضر کوشش ما برای این است که در جوار جبهه ضوابط مشخص با روران کمونیست است. ما نتوانیم که امکان دارد - اختلاف کنیم.

مبارزه و با لایحه برای آمدن صفوف روران با انقلابی است. نمونه این موضعگیری ما در مورد انتخابات مجلس خیرگان ما خواهد بود. در جریان این انتخابات رفتاری فداکاری از جانب رورانند. این دیگر روران می‌ماند. ما در این مبارزه و با لایحه آرکانند. این روران دموکرات و سوسیالیست می‌مانند. ما در این مبارزه و با لایحه آرکانند.

بجز نیروهای جبهه، ما همچنین وظیفه خود می‌دانیم که به منظور تقویت روران دموکرات و ضد امپریالیست در برابر دیگر روران ارتجاعی و با توجه به سیاست و برنامه سیاسی این روران، از کاندیداهای آنها حمایت نکنیم. منظور ما در اینجا بطور مشخص سازمان‌ها و افراد خاص است.

تجربه گذشته نموده‌اند، موضعگیری آنها در جریان همین انتخابات حاضر، قضاوت را روشن خواهد نمود. ما هم خود را با وظیفه خود می‌دانیم در رابطه با روران دیگر در جوار اول آرکانند. این روران جبهه انقلابی و سوسیالیستی است. این روران کاندیداهای سوسیالیستی دیگر در جریان انتخابات، تا زمانی که در این حمایت ما باقی نمی‌گذارد، ما این حمایت را در رابطه با مصالح عمومی جبهه انقلابی و جنبش کمونیستی ضروری و لازم می‌دانیم. طبیعتاً این حمایت به معنای آن نیست که شما بندگان این روران دقیقاً مواضع سازمان ما را منعکس می‌سازند. ما با آگاهی به اختلافات موجود و با توجه به جبهه‌گرایی عمومی انقلابی روران می‌توانیم آنها را در روران جنبش کمونیستی، معتقدیم که می‌توانیم با حفظ مواضع انتقادی به چنین حمایتی دست زد. صرف وجود چنین اختلافاتی، در صورتیکه روران جمعاً در درون جنبش کمونیستی اروپایی ما شایسته نمی‌توانند. نوحه‌هایی برای عدم حمایت از کاندیداهای این روران ایجاد نکنند. ما با حفظ موضع انتقادی خود نسبت به مواضع این روران مواضعی که کاندیداهای این روران در جریان انتخابات اتخاذ کرده‌اند، چنین حمایتی را اصولی و ضروری می‌دانیم.

بجز روران جبهه، ما همچنین وظیفه خود می‌دانیم که به منظور تقویت روران دموکرات و ضد امپریالیست در برابر دیگر روران ارتجاعی، و با توجه به سیاست و برنامه سیاسی این روران، از کاندیداهای آنها حمایت نکنیم. منظور ما در اینجا بطور مشخص سازمان‌ها و افراد خاص است. این سازمان‌ها، از ابتدای قیام تا کنون سیاست‌های ارتجاعی متعددی را در برابر هیئت حاکمه از سوی روران کمونیستی و سوسیالیستی اجرا کرده‌اند. این سازمان در طی این مدت نتوانست مکان واقعی خود را در میان صفوف مختلف روران، در کنار روران جبهه راستین انقلابی جبهه دریا به سیاست این سازمان در موارد مهمی لیبرالی و دارای نوسانات و تزلزلات سیاسی رورانه است. این سازمان هنوز نتوانسته است با مرز بندی قاطع با روران لیبرال و جناح‌های مرفه خرد بورژوازی، در کنار روران انقلابیون کمونیست قرار گیرد. و این سیاست بدون شک تا شیوات برای همین است. در این روران، به روران جبهه روران انقلابی و ضد امپریالیستی و به سود روران بورژوازی و لیبرال باقی می‌گذارد. لیکن علیرغم این سیاست‌ها و نوساناتی که در روران ما سیاسی این روران وجود دارند، ما معتقدیم که این سازمان یک نیروی دموکرات و ضد امپریالیست بوده و وظیفه خود می‌دانیم که به منظور تقویت صفوف این روران از کاندیداهای این سازمان بطور مشخص حمایت

کنیم. این حمایت از جانب ما می‌تواند شرط نیست بلکه ما با آگاهی به اختلافات عمیق میان سیاست و برنامه خود با سیاست و برنامه این سازمان، ضمن حمایت از کاندیداهای این روران و طبقه خود می‌دانیم که مواضع وی را جدر کسب جویس وجه در عرصه انتخابات و با مواضعی که کاندیداهای این سازمان اتخاذ می‌کنند، مورد انتقاد قرار داده و مرزهای

بجز نیروهای جبهه، ما همچنین وظیفه خود می‌دانیم که به منظور تقویت روران دموکرات و ضد امپریالیست در برابر دیگر روران ارتجاعی و با توجه به سیاست و برنامه سیاسی این روران، از کاندیداهای آنها حمایت نکنیم. منظور ما در اینجا بطور مشخص سازمان‌ها و افراد خاص است.

میان خود و آنها را روشن می‌سازیم. سازمان مجاهدین همچنان که از سواد هدایت آبدردنی این انتخابات نترسند و کوشش، ما محافظه کار و با اتحاد یک سیاست لیبرالی از زندگی روران جبهه انقلابی دوری حسود را هم در کنار روران لیبرال قرار گرفته‌اند. جنبش سوسیالیستی ما با سیاست لیبرالی و مخالف مواضع دموکرات و ضد امپریالیستی است. لیکن جنبش سوسیالیستی ما را از حمایت کردن از کاندیداهای این روران منع می‌دارد. ما در عرصه عمل نشان می‌دهیم و نشان خواهیم داد که اتحاد عمل میان روران انقلابی، تشکیل جبهه روران دموکرات و ضد امپریالیست و تقویت صفوف این روران در برابر ارتجاع و امپریالیست، تنها در حد شعار و گفتار محدود نمی‌گردد بلکه در کردار سرخشان منعقد و منعقد می‌گردد. و نشان خواهیم داد که مصالح و منافعی والای جنبش انقلابی را با مصالح منافع سک کروهی و محاسبات سک نظرات خرد بورژوازی - آنجا که مرسوم است - قرار نخواهد داد.

ما امیدواریم که روران انقلابی و سوسیالیست کمونیست می‌توانند، جبهه انتخابات و در صورت امکان با رلمان را به جبهه‌ای برای افزایش آگاهی و تجربه انقلابی تبدیل کنند. و بتوانند با روران و حمله‌های بورژوازی در مقابل روران جبهه دموکرات و ضد امپریالیستی خود برای حل بحران اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود، تبدیل سازند. فقط در چنین صورتی است که می‌توان امیدوار بود که آنها نتوانند از جنبش انزاری در جهت تحقق اهداف انقلابی خود بگذرند. ■

پیروزی کارگران ★ ★ ★
اخراجی پالایشگاه ★
 عده‌ای از کارگران اخراجی صنعت نفت در آبادان که در زمان رژیم سرسپرده پهلوی بدلیل مختلف از کار اخراج شده بودند سرانجام نتوانستند بعد از ماه‌ها مبارزه بیگانه‌نورد و دشمنانه ۲۹ دیماه سرکار خود باز گردند.
 این عده در جریان تلاش برای احقاق حقوق از دست رفته خود در تهران و آبادان با کارکنانی و سنگ‌اندازی مقامات مسئول شرکت نفت از جمله نزه‌خا شن، معین فروگر با سیون مزدور و... روبرو شدند. اما علیرغم تمام این اقدامات ضد کارگری این کارگران نتوانستند در سایه پیگیری و عزم واضح خود به سرکار باز گردند.
 هم اکنون عده‌ای دیگر از کارگران که آنها نیز بدلیل مختلف در گذشته اخراج شده‌اند در آبادان تهران و اطراف آن با زنگنه بکار تلاش میکنند ■

گزارشی از مبارزه قهرمانانه زحمتکشان شهرک ولی عصر

"مراد زندان بجرم همراهی با مردم شکنجه دادند، شبها پیش یک سرلشکر و اوکی می خوابیدم که برایش انواع غذاها، کمپوت و... آورده بودند. "جوان ۱۸- ۱۷ ساله‌ای را بجرم علامیه کسو- نیستی از تبریز به تهران آورده بودند".

"فردی را بجرم اینکه اسمش پیش یک قاچاقچی بوده نخست به ۲۰ سال و سپس به ۱۰ سال زندان محکوم نموده، اما فرد دیگری را بجرم حمل ۱۷۰ کیلو تریاک به ۲ ماه زندان محکوم کرده بودند".

"حق پناه" و "عندلیب" در دادگاه او پس از مستکبرین حمایت می کنند.

"مهدوی کئی" در کمیته مرکزی سازمان‌ها در آن دفاع می کند".

کریمی در ادامه سخنانش گفت: "مردم بدانید که او پس بیدارگاه شده و زیر نفوذ سرمایه‌داران قرار دارد، خودتان حسابش را بکنید، مردم شهرک ولی عصرنا وجود چندین سازمان را به مسئولین، کسی گوش بفرمائید نمی دهد، ولی غیبتی و جوانمردی یک تلفن از دولت باری می طلبند و دولت نیز خواستار آزادی آنها می شود".

عده‌ای از مردم شهرک ولی عصر پس از شنیدن افشاکری های کریمی به گریه افتاده بودند، گریه آنها بخاطر خیانتی بود که سرمایه‌داران و دولت حامی آنها بخون هزاران شهید و صدها هزار زخمی روا داشته‌اند.

زحمتکشان شهرک ولی عصر در مبارزات چند ماهه خود به بسیاری از واقعات بی برده‌اند، آنها در عمل دریا فتنه اند که دولت جمهوری اسلامی در خدمت سرمایه‌داران است و نمی خواهد و نمی تواند به خواست زحمتکشان پاسخ گوید.

زحمتکشان در عمل و تجربه به عوام فریبی ها و نوطه‌های هیئت حاکمه پی برده و دوستان و دشمنان واقعی خود را می شناسند. مبارزه مردم زحمتکش شهرک ولی عصر به همراه سایر زحمتکشان ایران تا نابودی نفوذ و سلطه امپریالیسم و حامیان داخلی آنان و تاریندن شدن استثمار روستا روستا کنی تا بودی استثمارگران ادامه خواهد داشت

★ ★ ★

نسخه از صفحه ۳
پیروزی باد...

ترس کارگران فرار را برقرار ترجیح دادند.

"پیکار" تصمیم محلی کمیته خوزستان (شماره ۱۰) که این خبر را با تفصیل درج کرده است، در پایان به کارگران مبارز شرکت هتداری دهد که این پیروزی در حال حاضر تنها در مرحله حرف باقی مانده و چنانچه کارگران متحدان را انجام خواستهای خود را فشاری کنند، خواهند توانست حق خود را از حلقوم سرمایه‌داران و مدافعانشان بیرون کنند.

شعار "مستضعف پیروز است، زمیندار را بود است" در فضای شهری بیجود پس از چند ساعت حدود ۵۰۰ نفر تظاهرات کنند و نیروی کمیته شهرک جمع شده و چند نفر جوانان انقلابی برای مردم سخنرانی میکنند و سرانجام تصمیم می گیرند به جلومجلس سنا رفته و برای آزادی کریمی افشای حامیان سرمایه‌داران در دستکهای دولتی و گرفتن حق خود به دست بنشینند.

مردمان با تظاهرات جلومجلس سنا جمع شده با شعارهایی چون "گاج نشین تا بود است، کودنشین پیروز است"، "مستضعف می رزند، سرمایه‌داری لرزد"، "جنگیدیم خون دادیم، غیبتی جرات آزاد است"، "جنگیدیم خون دادیم، کبریتی جرات زندان است"، "کینه و نفرت طبقاتی خود را نشان میدهند، زنان زحمتکش شهرک ولی عصر با بیای مردان در این مبارزه عادلانه شرکت کرده و با فریادهای خود دشمنان طبقاتی را افشای کردند. در طی سخن‌ها با طرف کمیته مرکزی و شپریاسی سعی نمودند مردم را با دوز و کلک متفرق کنند، ولی مردم که یک بار فریب تیرک حامیان سرمایه‌داران را خورده بودند حاضر نشدند متفرق شوند و خواستار مذاکره با سید احمد خمینی بودند (عمر روز دوشنبه در مجلس سنا مراسم سوگند ریاست جمهوری بود اکثر چهره‌های رژیم در مجلس بودند). سرانجام پس از چند ساعت سخن، نمایندگان مردم موفق به مذاکره با احمد خمینی شدند که وی قول رسیدگی به کارهای مردم را داده و به این ترتیب تخمین مردم زحمتکش شهرک ولی عصر پایان گرفت.

★ ★ ★

خبرهای بعدی حاکیست که در شبال مبارزات زحمتکشان شهرک ولی عصر، دادستانی انقلاب تا کز سربزه آزادی کریمی تن در می دهد. پس از آزادی وی مردم برای شنیدن سخنانش در یکی از مدارس شهر جمع می شوند. در این اجتماع کریمی درباره زندان و دادگاه او و... دست‌افشاکری می زند که قسمت‌های آن را در زیر ملاحظه می کنید:



شهرک ولی عصر در جنوب غرب تهران در جاده ساوه واقع است. این شهرک دارای ۱۲۰ هزار نفر جمعیت می باشد که اکثریت آنرا کارگران کارخانه‌های مختلف، کارگران بیکار، فروشندگان خرده‌پا و... تشکیل میدهند. اراضی این شهرک زمینهای مزروعی بوده که توسط زمیندارانی چون سراداران غیبتی، سراداران جوانمرد، حقانی، گرجی و... بین از تفکیک متری ۵۰۰ الی ۶۰۰ تومان به مردم زحمتکش و بی خانمان فروخته شده است.

چندین ماه است که اهالی زحمتکش شهرک ولی عصر برای گرفتن حق خود از این سرمایه‌داران بزرگ و زمینخواران دست به مبارزه زده‌اند. اهالی زحمتکش شهرک ولی عصر سازمانهای تاسوسی را از راهش کرده و پس از آنکه به نتیجه‌ای نرسیدند، عصر روز چهارشنبه ۱۱/۱۰ سراداران غیبتی و جوانمرد را در شهرک به تیرگان گرفتند. خود سیرت به شخص زدن. سرانجام سراداران غیبتی و جوانمرد به تیرگان گرفته شدند. از کمیته مرکزی شورای انقلاب پلان زیادی برای آزادی آنها نگذرد که نتیجه نرسد. ست جمعیت از یک سازمان روستا و مذاکره بین اهالی و کمیته مرکزی تیرا بر این شد که غیبتی و جوانمرد هر کدام ۱۰ میلیون تومان بپردازند و آزاد شوند. روز سه شنبه موعظی که نمایندگان اهالی برای دریافت حکم کار با حکم مراعات می کنند، با ساداران کمیته مرکزی سنا سنا که مردم را محاصره کرده و یکی از آنها را دستگیر می نمایند. فرد دستگیر شده رئیس کمیته شهرک ولی عصر بود که در مبارزه با زمینداران با مردم همکاری‌هایی می کرد. دادستان این ناحیه مردم زحمتکش شهرک ولی عصر بخم آمدند و حدود ۲۰۰ نفر از اهالی در جلومجلس مرکز برای آزادی نماینده خود دست بستند، با شعارهایی چون "کریمی، حامی مستضعفین آزادی‌یاد کرد".

"سرمایه‌دار مزدور دستگیر می‌شود"، "مستضعف می رزند، سرمایه‌داری لرزد"، "حامی سرمایه‌داران تا با بد کرد، مرکز برآزنگار"، "اسلام پیروز است، سرمایه‌دار تا بود است و... خواستار آزادی و شدند.

پس از چند ساعت تخمین کمیته مرکزی مجبور به آزادی نماینده مردم شهرک ولی عصر شد. صبح روز یکشنبه نمایندگان مردم برای یکمیری کار به کمیته مرکز می روند که دوازه کریمی رئیس کمیته شهرک و نماینده مردم دستگیری شود این بار او را به زندان اوین می برند.

عصر یکشنبه حدود ۱۵ هزار مردم شهرک، به کمیته مرکزی و دادستانی انقلاب مراجعه کرده و با دادن شعار خواستار آزادی کریمی میشوند.

روز دوشنبه مردم در خیابان های شهرک به راه می افتند و با شعارهایی چون "حامی سرمایه‌داران با بد کرد" کینه و خشم طبقاتی خود را نسبت به سرمایه‌داران و حامیان آنها نشان میدهند. مردم از خانه‌ها بیرون می آیند و به صف تظاهرات کنندگان می پیوندند.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

هنرمقاومت هنرپرولتاری



پیراهن خونین شاعر، پرچم شعله‌ور هنر انقلابی

بس دیوانه و اوسیلی، از اکاذیب و افتراآت
کاملاً گستاخانه استقبال می نمودند. پس از
مرگ آنها کوشش‌هایی بعمل می آمد تا بابت
های بی‌ریایی آنان بسازند و آنها را به
اصطلاح تقدیس کنند. شهرت معینی برای نام
آنها، بمنظور "تسلطی" طبقات ستمکش و تحمیل
آنان قائل شوند در همین حال این آموزش
انقلابی را از مضمون تهی سازند. در مورد چنین
"عمل آوردن" مارکسیسم اکنون - سرورزازی
و ابورتونیست‌های جنین کارگری با یکدیگر
همداستانند. جنبه انقلابی این آموزش و روح
انقلابی آنرا فراموش می‌کنند و محو و تحریف
می‌نمایند... شوخی نیست همه سوسپال شود -
نیست‌های امروز ما رگبستند!

(تا کید زماست) (از ۵۱۸ مجموعه مقالات)
می‌بینیم این مرده‌خواران حرفه‌ای چگونه از
چهارویه‌ای از خسرو گلکسری بت ساختند تا هسته
انقلابی دستاورد‌های او را از مضمون تهی کنند. در
کتاب "حما سه گلکسری" از قول یک "رفیق‌توده‌ای
شاید می‌خوانیم:

"وقتی با او آشنا شدم هنوز روپای‌های چریکی او
زنده و شعله‌ور بودند و او با این سودا‌های
پهلوانی تا مرزهای سادت و ایشا خودپیش
میرفت. در آن روزها حاذقه‌ام جریک کوجه و
خیابان را سر کرده بود. جریک در قهقهه‌ها و
تحیلات جوانها فهران سحات و بی‌بروری بود.
اما توده‌های میلیونی به‌این پیا مرتعسک
بدون و طایعی با تریه‌دونای نوری می‌نگرستند."

(۷ حما سه خسرو گلکسری)
مارکسیسم لنینیسم هیچگاه به‌متی چریکی سه
منا به‌متی پرولتاری نگریده‌است. اما از نظر ما
برخورد به‌متی چریکی و در اینجا برخورد به‌معتقدات
گلکسری از دوزا و به‌متی تواندمورت گیرد. ما معتقدیم
که تفادمتی توده‌ای - انقلابی با متی چریکی، درست
در نقطه مقابل تفادی است که روبرویونیستی مدرن
با آن داشته‌اند. ما معتقدیم که هسته "فهرآ میسر و
انقلابی متی چریکی همان مضمونی است که روبرویو-
نیستهای حزب توده، این منادیان و معامله‌گران
سازش طبقاتی پیش از هر چیز آن را همداشته‌اند.

هر کسی که حتی یکبار رفرم‌خسرو گلکسری را بخواند
آشکارا درمی‌یابد که هنرا و، سخنان از این فیهر
انقلابی (هرچند فیهر روشنفکران منفرد از مبارزات
انقلابی توده‌ها) است. اگر روجه‌پیشرویی بروای
گلکسری از زاویه روبرویونیستی نفی شود، حاصل
چیزی نمی‌توانست با شجرا رجنس همان هنری که
امروز صفحات "مردم" را زینت می‌دهد در آن بنحو
حبله‌گر! نه شرم‌آوری روزه‌های دلگکان تا مداری!
که به‌آستا نبوسی عدا انقلاب می‌روند شنیده‌می‌شود.

کارنا به‌حزب توده در خدمت با مبارزات انقلابی
صفحات سیا ففراوانی دارد و اینان، از این زاویه
در پس‌گف‌زدنهای مزورانه برای گلکسری، در اصل،
دشمنی خود را به جنبه انقلابی هنرا و اینان داشته‌اند
و بدین طریق در پس‌نقاب ستایش‌های عوام‌فریبانه
خود نسبت به اهداف رژیم مزدور گذشته که از آسار
با زمانه‌گسترخی هنرا سان بود کم‌ر خدمت بسته‌اند.
بنظر میرسد امروز پیش از هر زمان دیگر نیاز -
مندیم آن هسته درختان آموزشهای رفیق گلکسری را
در رشته هنر زنده‌کنیم و دستاورد‌های او را در این
زمینه بسط دهیم و بسود هنرا انقلابی امروز آن بهره
گیریم ■

آنان هر چه بیشتر که از کجه‌ها، از قهرمانی‌ها، از
حما سه‌ها و مفا و متی‌های شاعری گفتند، بیشتر در پی
بفراموشی سپردن راهی بودند که در هنرمی رفت.
آنان گلکسری قهرمان راستایش می‌کردند تا بر
گلکسری تا عر پرده افکنند. در حالیکه هنر، فراوان
می‌بایست از گلکسری بیا موزد:

می‌بایست از او بسا موزد که چگونه می‌توان پرچم
دفاع از انقلاب را بر قله‌های هنرا فرشت، می -
بایست از او بسا موزد که چگونه می‌توان "بیج و مهره‌ای
از چرخ انقلاب" شد.

هنر سوزو شای کوشید همه حوادث را به سکوت بر -
گزار کند. بوز خند کینه‌توزانه و بیش از هر چیز می -
توانست بسا نگره‌های عمیقی با شبکه از بسا در آمدن
تا قوس‌های فاتحانه هنر مقاومت در خود احساس می‌نمود.
و از این وقیعا نه‌تر سوزی است که روبرویو-
نیستهای حزب توده تحت پوشش نشریه "آرمان" نسبت
به رفیق گلکسری کرده‌اند. آنان جبارت نداشتند که
در بسا بروا قیعتی تا بدین درجه برهنه و روشن ادعا -
های خود را رسماً اعلام کنند. تمام اشعار گلکسری،
تمام آثار گلکسری بسا نگره‌های انقلابی و ستایشگر
مبارزه‌ای است که هر چند بدلیل خملت چریکی خود
نمی‌توانست به‌ملزومات جنین توده‌ها پاسخ گوید،

● ۲۹ بهمن سالگرد تیرباران خسرو گلکسری، شاعر، انقلابی، منتقد و انسان مقاوم و دلاوری است که باید به‌متابه
نمایند هنرمقاومت به‌اوارج نهاد، از او آموخت و دستاورد‌های او را بسط داد و بسط نظریات برضعفها و
محدودیتهای هنرا انقلابی فائق آمد.

لیکن از هسته‌ای بسا انقلابی برخوردار بود و این
همان جنبه‌ای است که او را از کجا و معتقدات انکارنا پذیرنی
است که ۱۸۰ درجه بسا سوم‌خا شانه‌ها کرا نه‌روویو-
نیستهای فاطله‌دارد. این لاشخوران حاضر به بسراق
هر جنبش انقلابی، نتوانستند از قلم‌های اینچنین
لذیذ و جریب چشم‌پوشند و از این رونه‌بظور رسمی بلکه
از طریق انتشار جروهه‌مقلبا نه‌ای تحت نام "حما سه
خسرو گلکسری" کوشیدند او را بی‌لمند. و بدین طریق
پیش از آنکه خشم انقلابیون را برانگیزند، خود را
به هیئت دلگکان بی‌مقدار به‌نمایش درآوردند. این
اولین بار نبود که دشمنان طبقه کارگری سترگ رفتن
در پس‌نام قهرمانان توده‌ها می‌کوشیدند خود را ننگین
کنند. لنین در برخورد به همین شیوه فریبکارانه
ابورتونیست‌ها و سوسپال شوونیست‌هاست که میگوید:
"در مورد آموزش مارکس اکنون همان رخ میدهد
که در تاریخ بارها در مورد آموزشهای منفکترین
انقلابی و پیشوایان طبقات ستمکش به‌نگام
مبارزه‌آنان در راه آزادی رخ داده‌است.
طبقات ستمگر، انقلابیون بزرگ را در زمان
حیات انسان همواره در معرض بیگردد قرار میدادند
و آموزش آنها را با حتمی بس سمانه، کینه‌های

۲۹ بهمن روزی است که هنرا انقلابی، هنر -
مقاومت سرفراز ترا همیشه قدیمی افسارزد،
شتا بسا کترا ره‌بسته بسوی انقلاب رزه‌می رود و پیراهن
سرخ را که رخون شاعرمزنده شعله‌ور است چوسان
سیرنی برافتنار سردوش می‌کند، سیرنی که بر آن
مهر بر سوز عشق به خلق و زحمتکشان نقش بسته‌است.
۲۹ بهمن سالگرد تیرباران خسرو گلکسری، شاعر،
انقلابی، مستعد و انسان مقاوم و دلاوری است که بسا
سنا به، سنا بسنده، هنر مقاومت به‌اوارج نهاد، از او
آموخت، دستاورد‌های او را بسط داد و بدین طریق
برضعفها و محدودیت‌های هنرا انقلابی فائق آمد.
شاید به‌قهرمانان گلکسری، انشکاس کونا گونی
درون حاسه‌بایست، او که بسا دگا رزیم را به‌دادگاه
خلق علیه مدخلی بدل کرده‌بود، از یک موقعیت
استثنائی سوجدت تا شعله‌بازی رژیم سفاک تا هنرا
نفس برآب‌کند و پرچم دفاع از انقلاب را سرفراز و
به‌افسای جلادان بسردازد. بعضی از کجه‌لیسان هم‌پرونده
گلکسری و رفیق هم‌زمین‌دانشیان، از آن پس، بسا
سقمیرو نفرت سوده‌ها روبرویوند و بسا گلکسری و
دانشیان بسزبان توده‌ها شکفت، اما بسا بسا
برده‌گلکسری برای توده‌ها پیش از آنکه شاعری باشد،
یک انقلابی بود.

حما که ما و عدا گلکسری در میان توده‌وسیمی از
روشنفکران تا سیردیگردد است. طی مدت زمانی کوتاه
آنها را با ایشال جنگمیر و روبروگشت. آنان بسوی
آنها را بسا نده، رفیق خسرو گلکسری هجوم آوردند و
با دستهای خالی بازنگشتند. آنان صدای مانده‌گار
او را در شاعرش باز یافتند. آنان روح شعله‌ور و
عصیان زده‌وسی طاقت و خشم‌آکین خود را در سورد‌هایش
باز یافتند. به‌این ترتیب، هنرا انقلابی که در بسا
به‌ضرورت‌های مبارزه‌ای مشخصی پدید آمده‌بود، حیات
اولیه خود را عمدتاً در لایلهای سطور که حقا نیست خود
را با سنا مزدگی اثبات می‌نمود، باز یافت.

از سوی دیگر، هنر مقاومت کار و غیر انقلابی -
مشحون از اندوید و آلیسم روشنفکران و حجت زده که
از نظر با ندیجی جهه، خویش در بسا بر رژیم و میر -
غضاب سبب سنا سنا، مخ و کنگ بود، زبونتر
از آن می‌نمود که آشکارا به‌مقا بله‌با میراث این
تا عر خفته در خون بسردازد، پس می‌کوشید در بسا
خلق، اندامی اعتبار روبرود خود را بسا پیراهن
خونین و تقدسی دیگر بخشد، هنرمندان با قاطع‌فخر -
ثروت‌نانه در بسا زار کارا هنر، نام گلکسری را چارمی -
زدند، اما در میان کمتر از هر کس از او می‌آموختند،

سرودی برای گلسرخی

وقتی که لاخواران حریف گلوله
سینه اش را
لانه ابدی خویش می کردند
وقتی که از دل :
" آتشی " !
زمستان نیکرانه مرگ
اورا در کفن سوما و سکوت می بیجانند
وبادهای آرمند ابدیت
اورا در می رود
وقتی که با اولس موج آفتاب
آخرس قطره سناک خونی از تلمیش
فرو می چکند
که در تمام طول شب
چو آن ستاره ای
بما میهای روتن صبح را
در سوسوی سزودهاش
سروده بود
وقتی که بنیای سیندش
خسری نسود
حرمین با آرزو سرخترش نفاش های سرکش
کدآوارهای بلند و کرم جودرا
در میدان اعدام
نواره می رند
وقتی که مرگ
سرد
می آمد
ملی سکوف و حاد
در حنجره اش زبانه می کشید
تا زندگی را بسزاید
با آتش سینه اش .
دروگران آینده را
سرگرم درو
در مزارع آینده بسزاید
با ترانه ها و لبخندها و پیروزی ها شان
کارگران آینده را
سرگرم کار
در کارخانه های آینده بسزاید
با ترانه ها و لبخندها و پیروزی ها شان
و خلقی آزاد را
در آینده ای آزاد
سرگرم با ختمان سرزمین مشترک آینده بسزاید
با ترانه ها و لبخندها و پیروزی ها شان
★ ★ ★
آه به چه خیره گشته بود او
در آن دور دست
به چه خیره گشته بود او ؟
★ ★ ★
گردباد وزید
پراکنده رباروت را
بردها نه تنگها
گلوله ها عقه زد
و خون سرخ
خون سرخ برپوشد
و با باد پرکشید
پرکشید



دینا مه گلسرخی

" من یک ندائی خلق ایران هم و شناسنامه من
حرفی به مردم حزبی دیگر نیست . من حوسم را
به نوده های کرسنه و پیا برهنه ایران تقدیم می -
کنم و شما آقایان فاشست ها که فرزندان خلق
ایران را بدون هیچ گونه مدرکی قتل گاه می -
فرستد . ایمان داشته باشید که خلق محروم
ایران احتیاج خون مرزندان خود را خواهد گرفت .
شما ایمان داشته باشید که رهبر قطره خون ما مدها
ندائی سرمی خیزد و روزی قلب همه شما را خواهد
نکافت . شما ایمان داشته باشید که حکومت غیر -
فاسوی ایران که در ۲۸ سپاه مرداد بدخلق ایران
تحمیل شده در حال احتیاج است و در سیرا رود سا
انقلاب قهرآمیز نوده های ستم کشیده ایران درو
و وارگون خواهد شد . "

" ما عروسی سنده خلق ایران
خسرو گلسرخی "

و رفت
آری ، آری این چنین کشتار شد خسرو
دروا ههای آینده
و در دل آینده
تولدی نویافت
خسرو

★ ★ ★

نامش
بر تارک گل های سرخ
در سینه دم هربهار

می درخشد

نامش
با رود خون خلقهای جا ریست
که سرود می خوانند برای آزادی
نامش گلسرخی ست
شکفته بر بیثباتی پلی
که محله زحمتکشان را

به انقلاب

می پیوندد

آه نامش
نامش متبرک باد
با دهان خلق

بهمن ۵۶

(بمنقل از "درواستای انقلاب")

گلسرخی و دانشیان دو چهره درخشان هنر مقاومت

سحرکا ۲۹۰ بهمن ۵۲ ، رفیق خسرو گلسرخی شاعر
انقلابی و همرزما و رفیق کرامت دانشیان ، فیاحساز
بدست دزخیمان رژیم آمریکائی شاه درخون خویش در -
غلطیدند . وفاداری آنان به آزمان زحمتکشان و کینه نشان
نسبت به دشمنان خلق برای هنرمندانی که در راه
هنرمقاومت ، هنرپرولتری گام برمی دارند ، درسی
فرا موش نشدنی است . یادشان را گرامی می میداریم :



کرامت الله دانشیان :

ما کاری نمی کنیم جز یاد کردن ختم خلق

قسمتی از دفاعیات دانشیان در سیدادگاه دوم :

" در سیدادگاه اول بنا به شرایط فاشستی حاکم
بر آن ، دفاع مرا ناتمام شنیدید همچنان دفاع
دو ستم گلسرخی را . اما من دفاعم ، حر دفاع از
حقوق نوده های فقیر و تحت ستم و محله به ضد
انقلاب دشمنان فم خورده مردم . همز دیگری
نیست .

اگر و حیثیتی از نیروی انقلابی و مبارزات
مردم ندارند و در واقع به مرگ طبقه حاکم بر
ایران مومن نیستید ، تاریخ ، این واقعبیت
را نشان داده و خواهد داد . ایمان ما به
پیروزی حقیقی نویین ایران و سراسر جوامع
طنقاتی جهان ، عظیم ترین قدرت است و این
را گویم که ما رگسبم هیچگاه مورد خونا بند
طبقه حاکم و وابستگان آنها نیست . ■

گرامی باد یاد

★ پانزبیس لومومبا ★

رهبر ملی خلقهای تحت ستم آفریقا

که در مبارزه علیه امپریالیسم

و نژادپرستی بدست جلادان

امپریالیسم بشهادت رسید!

مجاهدین و اتحاد عمل آنان با لیبرالها در جریان انتخابات مجلس شورای ملی

و یا :

"جها دولتی انسانی مادر چا رچوب اصول قانون اساسی و مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر و خارج از هرگونه خشونت و بی نظمی محدود می شود".

"این افراد و گروهها اعتقادی به برهم زدن نظم و قانون جا مع ندارند و توسل به استکون اعمال را که توسط مقامات دولتی و حزبی عنوان مستودرا و موثر و مفید و موصول

جمله خود سازمان مجاهدین (وتوده های آگاه جامعه فردنا ساخته ای نیست ، او یکی از کسانی است که از حدود سال ۵۴ به بعد با نام نگارنده ای متعدد به

- مجاهدین خلق میگویند مرز بین نیروهای انقلابی و دمکرات ربا نیروها و شخصیت های لیبرال تحت عنوان "ترقیخواه" مخدوش سازند .
- چرا مجاهدین از درک ماهیت لیبرالها و خطرات آنان برای انقلاب غافل می مانند ؟ و چرا از اتحاد عمل با نیروهای انقلابی چپ خودداری می کنند ؟

به خواست های خود میدادند . (منظورشان افراد دگروه های لیبرال نظیر خودشان میباشند) . همچنین ایشان بای بندی و آمان عمیق خود در رابطه با نظام مشروطه سلطنتی با عباراتی نظیر : "وجود مشروطه واقعی (که دستکاه ناهی هم جزئی از آنست) برای حفظ استقلال کشور ایران ضروری میدانند و با "در رژیم های مشروطه سلطنتی ، شاه مظهر وحدت ملی است" نشان می دهد . فکرمی گنم که دیگر هیچ نیازی به توضیح نیست که آقای حاج سیدجوادی به یک مشروطه خواه و یک سلطنت طلب و یک زفر میست است .

۴- و معالفت خود را با رژیم شاه ایگنوبه بیان می کند :

"نظام شاهنشاهی مشروطه کتلی و بدون دگر فید مشروطه در آن خود خود یک مفهوم سیاسی و لایق مشروطه است که آرمایه ها و حواسی است اصل اجتماعی و اقتصادی ملت ایران است و با اودر کله گذاری و انتقاد به خود که مکملهای

شاه و دولت می گوید :

"در این صورت حکومتی میتوان در سر راه مخالفت ایدئولوژیک رژیم و گمانگشاه اصولا توافق و سازش بین نظام سلطنتی را با موازین دمکراتیک بر زمین میاندازد و تاریخ همدا زمان پس از انقلاب مشروطه را نیز میتوان سیدانای خود را که میدهند از نظام مشروطه سلطنتی آنچنانکه در قانون اساسی مطرح است دفاع کرد . این دفاع روریز و روز منگنفرودت و رزم مشروطه گرا این- گونه مطالب که دفاع از مشروطه سلطنتی و لزوم دوام و استمرار آنرا برای حفظ استقلال سیاسی و افتخادی کشور بتدریج دشوار تر میبندد ."

بدین ترتیب حاج سیدجوادی از شاه و رژیم می - حوا هد که به "قانون اساسی" عمل کنند و وفا دار به "نظام مشروطه سلطنتی" باشند و پس! او پیش آسید مصیبت بزرگی را پیش بینی میکند و آن اینکه دیگر دفاع از نظام مشروطه سلطنتی در مقابل مخالفین ایدئولوژیک (بخوان کمونیستها و انقلابیون و از جمله مجاهدین خلق!) که سازش بین نظام سلطنتی با موازین دمکراتیک نمی بینند (و از نظر آقای حاج - سیدجوادی ولایدها جزا تحریف بزرگی هستند!) روز به روز غیر ممکن میشود! و واقعاً پیش بینی بجاشی! چرا که تنها یکسال بعد از این نام و موازین را احی - هاشی از این قبیل ، توده ها نظام سلطنتی را علمبرم میل لیبرالها به زباله دان تاریخ فرستادند!

"اعلیحضرت هما بونی" و "معینان" (رئیس دفتر مخصوص شاه) و ... خواستار "حکومت قانونی" از شاه و رژیم حاضر بوده است - منتها همه را با عنوان برای ثبت در تاریخ - او از موضع یک لیبرال بر تئوریه دیگنا بوری شاه اعتراض میکرد و به دفاع از قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر میمنت و همچنین لیبرالهای دیگر - البته تندتر - حوا هان این بود که "شاه سلطنت کند نه حکومت" علاوه بر این میتوان به دوستی و نزدیکی او (و بخصوص اسلام کاظمیه باز نزدیک وی) با دکترا امینی ، این فزه نوکتر آمریکا اشاره کرد .

به بررسی یکی از نامه های او می پردازیم

حاج سیدجوادی در پانزدهم آذر ماه ۵۶ نامهای تحت عنوان "برای اطلاع ملت ایران" منتشر ساخته که حاوی نکات بسیاری در معرفی خود است . این نامه در آستانه فرار از تره بر ایران انتشار یافته است (کاثر در دهم دیماه ۵۶ وارد تهران شد) در آستانه فرار کاثر لیبرالها از یک طرف و نیروهای انقلابی و توده های انقلابی خلق از طرف دیگر به تکیا پوافتاده بودند . لیبرالها کوشش میکردند تا تبلیغ "مراعات نظم و جلوگیری از تظاهرات ضد آمریکا" سازش کاری و تسلیم ظلمی خود را به نمایش بگذارند ، آقای بازرگان به مریدان خود توصیه میکرد در هنگام ورود کار تری بر پرچم های سفیدی بنویسند "کار تری حقوق بشر ت کوه" ! و به استقبال او بروند! و نیروهای انقلابی و توده های آگاه خلق در پی نشان دادن خشم انقلابی خود به امیرالیم و شاه مزدور بودند شخصی که پس از شروع جنبش خارج محدوده مردم افزون تر میگشت و خیرات غا از یک انقلاب می داد . جنبی که در آبان ماه همین سال با فریادهای مرکز بر شاه و مرکز بر آمریکا هزاران دانشجوی انقلابی و مبارز و حمله به موسسات امیرالیم - با تکیا و ... - و غمگند و عمق توده های خود را نشان داده بود . آری کار تری در جنبش اوضاع و احوالی وارد ایران مستود و لیبرالها در جنبش شرایطی به کدائی حقوق بشر از کار تری میروند و توده ها را به آرا مش دعوت می نمایند . توده - هاشی که تنها ۹ روز بعد از آن تظاهرات خما کین قم را به نمایش گذاشتند و اولین شهیدی خود را - پس از جریان خارج محدوده - به آستانه انقلاب دمکراتیک و خدا میرالیمینی خلق تقدیم داشتند! در جنبش شرایطی حاج سیدجوادی نامه می نویسد . این نامه دارای نکات زیرین است :

۱- آقای حاج سیدجوادی در این نامه خود را چنین معرفی می کند :

اسخانات "مجلس شورای ملی" یکی از عرصه های مبارزه طبقاتی است . انقلابیون و نیروهای دمکرات و خدا میرالیمت مساوسا مومعکیری صحیح خود در این اسخانات ، معوق خود را از دست و پیرا کندگی کسوی نجاب دهند و بدین درجهت همبستگی و اتحاد بر دارند . ما با نیروی ارجمن متی ای در بر شاه اسخاناتی خود اعلام کرده ایم که از هرگونه همکاری و اختلاف و بر شاه مشترک در انتخابات مجلس شورای ملی - بر شاه بر شاه جدا قتل خود - با نیروهای انقلابی استعمال میکنیم . کرچه بدلائل مختلف (که نیز بر سر یک مورد آن اشاره حوا هم کرد) حواست میا عملی نگردیده است . اما برای تعویت هر چه بیشتر عتوب نیروهای انقلابی و خدا میرالیمت در مقابل ارجحاع و سوز و زاری لیبرال و همدستان آنها ، برای شان دادن این واقعیت که کمونیستها مذاکره واقعی سزودگی دمکرات هستند ، ما بطور بیخمن هم از تانند اهای نیروهای چپ و هم از گاندیداهای سازمان مجاهدین خلق پیشنهاد می کرد .

۲- انتخاب ناخشن موضعیت فاشی توانیم در مقابل سروردهای گمگاری و لیبرالی نیروهای مختلف و انقلابی دمکراتی معا و ب شما هم : در اینجا کوشش میکنیم به اولس تدمی که ما مجاهدین خلق در رابطه با اسخانات مجلس شورای ملی برداشته اند ، بیزد - رسم و عینم این سازمان با مسئله انتخابات و لزوم وحدت عمل با نیروهای و اتحاد انقلابی و دمکراتیک جوید سرور در کرده است .

۳- سازمان مجاهدین خلق ایران در ۱۳ بهمن ماه طی اطلاعیه ای لزوم تشکیل شورای معرفی کاندید - های انقلابی و ترقیخواه را با اطلاع عموم میرساند و از کلیه نیروهای که از سر تا مه ۱۲ ماهه ای اعلام حد وسط معمودر حوی خما تب می کنند برای شرکت در این موراد عوب به عمل می آورد و پس در ۲۰ بهمن ماه با اسنار اطلاعیه ای دمکراتی می "هیئت اجرایی شورای معرفی کاندیداهای انقلابی و ترقیخواه" را اعلام میکند .

۴- اسنار این اطلاعیه همچنانکه اسنار میرفت معلوم کردید که مجاهدین خلق میگویند با مرز بین نیروهای انقلابی و دمکرات ربا نیروها و شخصیت های لیبرال تحت عنوان "ترقیخواه" مخدوش سازند و دمکراتها بی نظیر تحت انقلاب کنجهای را در کتلی ر لیبرالها ضار دهند ، این نوع مخدوش کردن مرزها مخصوص در رابطه کتونی که توده ها در تجربه مبارز - سی خود و با هدایت نیروهای انقلابی ، لیبرالهای حاشین نظیر بازرگان و میساجی و مزاغهای و زبیه و ... را یکی بین از دیگری رسوا میسازند و منتسای دیگری جز آب به آسیا لیبرالها ریختن ندارد برای اینکه راه هرگونه توجیه کاری و سفیله بازی را بسته با سم به معرفی یکی از چهره های لیبرال کسه مجاهدین با آنها اختلاف کرده تدمی برداریم :

حاج سیدجوادی کیست ؟

حاج سیدجوادی که اکنون با کتانی نظیر اسلام - کاظمیه کرده کوچک لیبرال - روشنگری "جست" را دارد و سکنند برای نیروهای انقلابی و دمکرات (از

اوجا لغت خود را با هرگونه شعار و کاربرد قهر انقلابی بنظر عنوان می‌آورد.
"عوامل اشتداد کسوف دست اندرکار آرایش معنه‌های هستند که ملت ایران را با ایجاد حوادث مصومی آفریده دست خود (بعنسی شعارهای ضد آمریکا و حمله به موسسات آمریکا و عوام ملت آنها و... در برابر آمریکا فرار دهند".

این همان حرفی است که لیبرال‌ها و (همچنین حزب توده) در مورد تظاهرات خنما گین مردم مساز تم وقیم قهر می‌شیریز شیریزند، و کاربرد قهر و شعارهای انقلابی را کارها واک نامیدند! و بدین ترتیب کینه طفاقی خود را نسبت به هرگونه استکار عمل توده‌ها، به هرگونه راه حل انقلابی که با عنت ستودهدایت مبارزه مردم از دست آن خارج گردد نشان دادند و در اینجا واقعاً که برای لیبرالی چون حاج سیدجواد شاعرهای ضد آمریکا و حمله به موسسات آمریکا و در برابر آمریکا تورا گرفتند یک "حوادث مصومی" است و غیر از این نیز نمیتواند باشد! (نقل قولها از صفحات ۱۳۵ و ۸۲ و ۸۲ و ۱۷ و ۱۶ و... کتاب "دنا مه" ای حاج سیدجواد آورده شده است).

تیمسار مدنی و حاج سید جواد

برای اینکه آشنائی بیشتر با مواضع کنونی حاج سیدجواد و بیانش داشته باشیم یک مسورد آثار می‌کنیم، موردی که در این نظام استغیبات ریاست جمهوری قرار دارد، یعنی موضع آنها در برابر تیمسار مدنی، حاج سیدجواد در شماره ۲۵ (جنش ۱۴ بهمن ماه) مقاله‌ای را چاپ به انتخا با ت در مورد مدنی می نویسد:

"... نحوه مبارزه حزب جمهوری اسلامی و روزنامه آن با دکترومدنی و سنی مدرسه معلومیت که چگونه برخلاف همسوارین اخلاقی و حواسردی اسلامی و بی‌پایه واهی ترین آنها مات و متراها... بیخیا خود را لحن مال کردن آنها مردم را! شرکت در انتخا سات مسرب سازند..."

ملاحظه می‌کنید که اختلاف بر سر نوع عمل حزب جمهوری اسلامی است که بدلیل افکار عقب مانده و احما رطلینه، خود عکس العمل لیبرال‌ها را نسبت خود برانگیخته است و نه چیز دیگر. از نظر حاج سید جواد اشها مات و ارد بر مدنی در "واهی ترین" انتیامات و اقراها" است. آقای حاج سید جواد می‌گوید: "اما آگاه است که از ما هم قیل این نیروهای انقلابی بوده اند که مدنی و مدنی‌ها را در بیستگاه خلق افشا کرده اند، اما و بدلیل ماهیت طفاقی اش اینس حقایق را "لحن مال" کردن مدنی نام می‌گذارد! و حقایق را در پشت اختلاف با حزب جمهوری اسلامی می‌پوشاند. و با قیافه حق بجا نسا از موضع مدنی حمایت و پشتیبانی می‌کنند..."

اسلام کاظمی می‌پروا ترا این از تیمسار مدنی دفاع و حمایت می‌کند، اومی گوید:
"مدنی یک نظامی ملی و متمان معتقد و استاده در برابر سراط استنادی شاه و دکتور انما دکه انما ناس به ما داد و در حفرناک - سرس لطفه‌ها که هدف ضد انقلاب آتوب خورشان و کارکنی در کار رعیت بمسی رگ حسانی انما در در هر رهنه اعلا بود، وزارت دفاع را رها

کرد و به خوزستان رمت و اسلخاب سنا اندکی آسار آرا کرد... اگرچه آن "اشا گری" آخرس لحظه و ندون مرمت دفاع از او در سداد آرایش تا تیر کرد...
(جنش ۲۴ بهمن ۵۸، مقاله تحلیلی شتابزده از انتخابات ریاست جمهوری - اسلام کاظمی) آری اسلام کاظمی از سلطنت طلبی تیمسار مدنی

جواد و بیانش در واقع در خدمت لیبرال‌ها و بورژوا - فاشیت‌ها و کسب حیثیت و آبرو برای آسان ترار می‌گیرند.
واکنش این سؤال پیش می‌آید که چرا از زمان مجاهدین همگاری و اتحاد عمل با نیروهای لیبرال راه همگاری با نیروهای انقلابی چپ ترجیح می‌دهد؟ آیا این سازمان می‌تواند با "ترقی خواه"

● مجاهدین ادعا میکنند که نیروهای نظیر حاج سید جواد و بیانش با شرط حمایت از برنامه ۱۲ ماده‌ای انهاد ژنورای معرفی کند بدها... "عضویت پیدا کرد ماند... اما آیا کسانی که بدستی دیرینه بسا امینی این قره نوکر آمریکا معروفند، کسانیکه تا دیروز سلطنت طلب بودند و امروز سرکوبهای تیمسار مدنی را تحسین می‌کنند می‌توانند مدافع منافع زحمتکشان باشند؟

در گذشته! ز سرکوب خلق عرب و کارگران در خوزستان بدستی، تعریف و تمجید می‌کند.
این شایستگی است که آقای حاج سیدجواد و اسلام کاظمی از مدنی ارائه می‌دهند، اما نیروهای انقلابی نیز از ما هم پیش او را به مردم ایران معرفی نموده اند، از موضع لیبرالی او در زمان شاه گرفته تا دوستان با وکی اش که به معما و نت او در استانداری خوزستان در آمدند، از سرکوب خلق عرب تا فشار و مطالبی که برای کارگران ایجاد میکنند، از "شریف" تا میدان بحثها رتا حمایت از امپریالیسم آمریکا، همه و همه چندین ماه است که در بیستگاه خلق افشا کرده است. تا توده‌ها نسبت به خطری که حریا نیهای مختلف بورژواشی از چهره‌های بطا هر آرا موانسان - دوست! آنها گرفته تا چهره‌های فاشیت نظیر همین تیمسار مدنی منافع آنها و انقلاب را تهدید میکند، آگاهی یابند، اخیراً نیز "دانشجویان پیرو خط امام" در راه با کتک به حزب جمهوری اسلامی در انتخا با ت ریاست جمهوری با فشار اسنادی در با هم می‌پرداخته اند. و تا آنکه ما اطلاع داریم مجاهدین خلق تنها پس از این افشاکری‌ها در جریان با دیود مرام دو تن از شهیدی خود (مجاهدین شهیدان محمدعاشی و عباس عملی) بیافندی مدنی برده‌اند و امروز در صورت دارای موقع گیری مشخص در مقابل این تیمسار شاهنشاهی بعنوان نماینده، یک حریا ن بورژوا - فاشیت می‌باشند. اما امروز با توجه به اینکه پس از ورگشتن از حزب لیبرال نظیر "جبهه ملی" و "نهضت آزادی" و "جمهوری خلق مسلمان" بورژوازی لیبرال بدسال یک قطب برای کرده اردن نیروهای خود می‌گردد و در وجود مدنی بسیاری از آمال و آرزو - هایش را جستجو می‌کند، با توجه به اینکه تجسار و مقاطعه کاران و دیگر سرمایه‌داران متوسط و بزرگ در وجود و "نظم" و "امنیت" (ارتجاعی) را مآهده می‌نمایند و همین دلیل هم مدنی در انتخا با ت موفق میشود با حدود دو میلیون و سیصد هزار رای در ردیف دوم قرار گیرد، و بلافاصله پس از پایان انتخابات اعلام کند که در تدارک ابعا دیگ حزب است و بعد هم نیروهای انقلابی برده از جلغات پنهانی با زرگان، مدنی و صاحبان برمی‌دارند. آری بسا توجه به تمام این دلایل خطری که از جانب مدنی‌ها انقلاب ما را تهدید می‌کند کم نیست و همین لحاظ نیروهای نظیر "جنس" حاج سیدجواد که آگاهانه و علناً از تیمسار مدنی پشتیبانی میکنند نمیتوانند دوست مردم ایران باشند. تیمسار آسار اسر تیمسار رنه از روی حیالت و حنی دنیا له روی بلکه دقیقاً در راه نظام مومعتت سیاسی نزدیک طفاقی شان است، و مجاهدین خلق با وارد شدن در همگاری و اشتغال انتخا با ت با سروهای نظیر حاج سید

لیبرال‌ها و حمایت آنها از برنامه ۱۲ ماده‌ای مجاهدین!

مجاهدین ادعا می‌کنند که نیروهای نظیر حاج سیدجواد و بیانش با شرط حمایت از برنامه ۱۲ ماده‌ای آنها در ژنورای معرفی کنند... عضویت پیدا کرده اند... اما آیا کسانی که بدستی دیرینه با امینی این قره نوکر آمریکا معروفند، کسانی که تا دیروز سلطنت طلب بوده‌اند، کسانی که به سرکوب - های تیمسار مدنی در خوزستان اجنت می‌گویند و از وی تعریف و تمجید عمل می‌آورند، میتوانند مدافع امپریالیسم، دموکرات، و... و طرفدار حق تعیین سرنوشت بدست خلقها باشند؟! اصولی که در برنامه ۱۲ ماده‌ای مجاهدین آمده است، واکسر درک مجاهدین از برنامه ۱۲ ماده‌ای خود است، این سطح نازل است که حاج سیدجواد و بیانش آن می‌دانند، آیا نباید منتظر شد که فردا لیبرال‌های دیگر نیز پشتیان این برنامه ۱۲ ماده‌ای از آب در بیایند؟

آیا این خطاها تقادفی است؟

چرا مجاهدین سدام چنین اتحاد عملی خطرناکی می‌افتند؟ و چرا از درک ماهیت لیبرال‌ها و خطرات آنان برای انقلاب غافل می‌مانند؟ و چرا از اتحاد عمل با نیروهای انقلابی چپ خودداری می‌نمایند؟ یکی از دلایل این نوع برخوردها را با پستی مدنی مجاهدین و رزبایی سیاسی آنان از اوضاع و احوال سیاسی کنونی جا می‌ماند. مجاهدین "سیستم" یا "سیستم" فعلی را بسه د و جناح تقسیم می‌کنند:

الف - دولت با ماهیتی لیبرال و سازشکار که سرمایه‌هاست و تحکیم و استکی‌های سست شده امپریالیستی و احسای ارتنی حتی المقدور از همان نسبل نس می‌رفت اپتی می‌رود - بیکار)

جناح ارتجاعی که با ارگاسهای حزبی و مطبوعاتی معشوم الحال و نایز کسبی احما رطلی اسخو: ن سدی آن را تشکیل می‌داد و به لحاظ ضغاتی و آرمائی هم‌نشور عقبه در صفحه ۲۵

دفاع "بازرگان" افشای "بازرگانها" است

گرامی باد خاطره

رفیق شهید محبوبه متحدین

"من اگر بخواهم فراموش کنم و فراموشی را بر سر من بیاورند، من فراموش نمی‌کنم"

اگر خون از زخمهایم فواره زند و سلاح از دستم فرود آفتد

و اگر جسد مرا برندگان سرگشته بیابانها نکتند با من

این است راه پیکارم، پس ای رفیق راهم را تو بپوش

بیا با من برو (یک سرود فلسطینی)

رفیق محبوبه متحدین در سال ۱۳۲۸ در خانواده

ای متوسط در تهران متولد شد و پس از پایان دوره متوسطه وارد دانشگاه هراتی تهرانی گردید

در تابستان ۵۲ عملت برخی فعالان سیاسی فرهنگی (منحمله در حبسین) را شنید و مورد سوءظن

ساواک قرار گرفت و دستگیر شد. در زندان با همسرش تمام زحمتهای آموزشی و فرهنگی را بر عهده گرفت

پس از آزادی از زندان، محبوبه به همراه همسرش

با سازمان مجاهدین خلق ایران قرار گرفت و از طریق

طریق عملیات سیاسی خود ادامه داد. انجمن اساتذت و

تدریس و تیزهوشی رفیق ارمان او ان را نشاند. سازمان

کاملاً محشم می‌خورد.

رفیق محبوبه بسیار فعال و با نشاط، صمیمی و

سرزنی بود. او با دهی سازمان با برخورداری از خلاقیت

روحیه ای تسلیم ناپذیر از مسائل و مشکلات استقامت

مینمود و بهترین وجه ممکن و با تمام نیرو در جهت

حل آنها میکوشید. او از جمله رفقای خود که قتل

یافته در مدت بخش منتهی از سازمان مجاهدین خلق

به فعالیت میبرد از دستاوردهای او بود در موقع مارکسیست

لنینیستی قرار میگرفت.

در جریان خانه‌گردیهای با شهروزستان ۵۳

اکتیهای ساواک و کمیته‌ها برنامه‌ریزی وسیع و

تعدادی بود کردن هفته‌های انقلابی مناطق شهسور

نشانها به معارفه خانه‌ها را با زور می‌کرد، رفیق

محبوبه با فعالیت‌های حساسی با پذیرش با زور

کوشش‌های مستمر خویش برای ایجاد امکانات

پوشش‌هایی که ادامه کار رفقای سازمان را در ارتباط

بجای می‌آورد. در این دوره، هر دو رفیق در

جمهوری و دفاعی کشور و ... بوده است!! و گرنه

تا بداند که به تبعیت از آزادی به مردم‌داری سازمان و

و میراث نظام و ... زودتر می‌توانستند به

"دلسوز" آمریکا و سازمان شاه‌داری را بی

عدالت‌های نوگرا را فراموشی داد، حتماً کار

اینها یعنی کشید و تا بداند که آزادی سازمان

سازمان سبیل نمی‌شود، سبیلی که همراهِ خود هر

و خا شاکتی چون ایشان را برانجام با خود به

جریان تشکیل کابینه‌ای سازمان یکساز

آقایان روحانیون شورای انقلاب (منظور

بهشتی است) سازمان و غیره که آمریکا برای

انقلاب از مشروطه‌طلبی به جمهوری اسلامی

ارسطاط حومی و مستقیم و غیر مستقیم سازمان

سازمان ارتش - ساواک و سفارتخانه‌ها و ... که

آنها را اغراضاً می‌خواستند، اقدامات انقلابی

خود را می‌توانستند بهیچ وجه از سر بردارند

است. و بخوبی شلای زاهد الموصوف دار و

و بهشتی را با نظر تاریخی تمام آمریکا برای

نشاندن انقلاب و طوبیگری از قیام مسلحانه

نشاندن می‌دهد. سازمان و قیام را به آنها

که آنها را از قانون اساسی رژیم آنها که

و نظام‌ها و محوری برای غارتگری

دست‌نشانندگان داخلی سازمان است

سازمان به عنوان می‌نماید که

مفاسدی که در دوران بهلولی روی

انحراف و تحریف قانون اساسی

آنکه فقیر قانون اساسی می‌باشد

گناه شاه در عدم اجرای صحیح

است و گرنه در اصل قانون اساسی

السنه آزادی سازمان تا همین

نظام‌ها و شرایط متخلف حاکم

مهدی بازگان حندی بس در مقام

به سبیل حلات و اعتراضات وسیع

لیبرالها (مناجسی و ...)

دفاعی از سران نهفت آزادی

این نمی‌توانست دست خود

در بیان آزادی بازگان شرح

خصوصی و مستقیم و غیر مستقیم

آزادی با مقامات آمریکا

ناجیال) ستاد ارتش ساواک

آمده است و دلایلی که از نظر

ارسطاط "ارسطاطی و موجه

را اقداماتی انقلابی و "خبر

آورده ذکر شده است. این

سبب از گذشته از بدو است

دیگر سران نهفت آزادی با

کوبد و گناهان و با وقاحت

دفاع می‌نماید که در ذهن

سوال را بهیچ می‌آورد که

که حاشیه‌ای چون سازمان

مناجسی در ایران را می‌توانست

روایتی آنها بکوش فلک می

حسنت سر عمل می‌آید. چگونه

به دیروز حد می‌توانست

در مهمترین مقامات و

هوزم جرات می‌نماید

تحت پوشش اقدامات

نخبویزیونی و مطبوعات

دست‌نشانندگان داخلی

بازگان که خود یک سند

سیستمی بود و از اینها

سازمانها و مضمون

افشای ضد انقلاب خدمت به انقلاب است

پیکار

سالگرد قیام باشکوه تمام برگزار شد

سالگرد قیام باشت ۲۲ بهمن ماه ۴۰ کرامی روزی که خلق سلاح بر گرفت، طومار سلطنت شکنان را درهم شکست و زنگار آن صدا انقلاب را سهوت برجا گذاشت. ۲۲ بهمن، آن روز سرخ شکوهی که خلق مسلح عرش را نشانه گرفت و نشان داد که حقاً: «وای بس که روز دشمنان، روزی که خلق مسلح شود».

و اینک پس از یکسال که هر روز در درسها می آموخت، خاطره های قیام مدرستی از یاد و ما انقلاب مروری شود، جنگ میان انقلاب و ضد انقلاب ادامه دارد. درسیای قیام پیشتر روی ما است، و روز قیام را کرامی می داریم.

روز قیام ۲۲ بهمن، روز غرور آفرینی برای خلق است. جشن توده هاست. مراسمی که ما زمان ما در این روز برپا نمودیم گوشه ای از جشن خلق است. نظریه ای کوچک که تمام می جهانها، آرزوها و آرزو های خلق دلاور ما را در خود منبسط می کند. مراسم ما سرود آغاز شده و ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگری از سرود خوانده می شود. بهیامی که درسیای قیام را با خود دارد:

«اینکه نمی توان بدون مسلح شدن حتمی پیروزی های مرحله ای جدت آورد و اینک نمی توان در کارخانه و مزرعه و آدا رها جمال حاکمیت نمود. هر چند در اکثر اوقات بصورت محدود و منطقه ای از جمله این نواحی است، و اینک تنها و تنها طبقه کارگری توان انقلاب را تا به انتها ادامه دهد، امروز دیگر برای زحمتکشان ما یک احتجاج شوربیک نیست، بلکه حقیقتی است که در یکسال گذشته آن را با پوست و گوشت خود لیس کرده اند».

«بهیام در ادامه خود از یاد و ما انقلاب می گوید: "توده ها خواستار دیگرگونی های اساسی هستند، آنها خواستار نابودی نظام سرمایه داری و استبداد، قطع کامل سلطه امپریالیستی، رها و همگس، بیادانت برای همه، ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران، زمین برای دهقانان، حق خودمختاری برای خلقها و... می باشد، بنابراین طبیعی است که پیروز و آفرینشها را به کناری برتا بکنند. هم چنین آنها با تجربه کمبری از گذشته و به اعتبار آگاهی خود حاضر نیستند به "نظم" و "امنیت" ارتجاعی بدهند. و به همین دلیل دست در بر سینه جنگ امروزان و پیروز و آفرینشها می نظیر ما در جریان و بسزای و دارودسته مدنی می زنند».

اما آماجگی عیبی توده ها به تنهایی برای سر رسیدن انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق کافی نیست و اگر هر آینه هرج و مرج و سلانگی پیش از پیش بطول کشد، پیروز و آفرینی مرتجع به مقاصد تو م خودخواهد رسیدنا برای این لازم است که نیروهای انقلابی و بخصوص نیروهای آگاه پرولتاریا پیش از پیش در راه همبستگی و وحدت صفوف خود تلاش نمایند. یکی از رفقای ما زمان ضمن سخنرانی کوتاهی عمل کرده است حاکمه و سبزه درسیای قیام را مسورد بررسی قرار داد.

پس از تمام شدن آوازها، آواز می خواند. صدای گرم دلنشینی از خلقها می گوید و سر نلسای حمت می شنیدند. سروان ارسالی او با آن مرتجع سخت در نلاند تا مراسم را کونه ای بر هم زند. فحاشی می کند،

روبروی سینه ای توده ای و کارکنی های باستان در سارزات کارگران سخن می گوید و سنگ و نفرت طبقه کارگر را با اس حاشین می کند.

بکفر از کودنستان زحمتکشان دروازه غار سا مداشی را با می خواند و هم چنین زحمتکشی از اسلام شهر، هر یک از این بهیام ها حمت را به شوق می آورد و لزوماً زناط هر چه کسرتده تر با زحمتکشان میهن ما را با داوری می شود.

رفیق عاشق آذری با حاشی با دیگر از خلقها می براید. خلقها که با حمت در عرصه بیکسار و طبقاتی از جانب حاکمان سیستم و استبداد، هر یک می شوند، و آوازها شان سر چون ستم دکانهای که سرآنان می رود غمناک است.

در سالگرد قیام امپریالیسم و هنوز فقط بیک سال از قیام گذشته، رفتنی از زندان ساسی در سندس می گوید بجوار زندگان سارزی که سه اشیا دفاع از سوده های زحمتکشان، سربازان سده اند. این شهیدان راه آزادی و استقلال ایران، در سیدادکا های محلی بدون حضور هشت ستم، بدون سرخورداری از حق داشتن و کپیل مدافع بدون رویت پیرونده پیش از تشکیل به اصطلاح دادگاه و در چند حورتها شکنجه در محل دادگاه به مرکز محکوم و سیر ما را ن شدند، در سبازی از ما وارد شد، در شرکت کشتگان در دکانها می که به سیر ما را ن سجاد و شن بوده اند: تکی حاکم شرع و دیگری متهم! او این در تماشای است که: "ما تا الله قصابها آزادامه می گردند و حتی این امکان را می باشد که در روز نامه ها از مواج عدالتی خود دفاع کنند".

آری، یکسال پس از قیام است، جنگ طبقاتی و مبارزه بر علیه امپریالیسم ادامه دارد. بکوشیم تا ما توده ها در امپریالیسم، از قیام مدرس بگیریم، که هر دایستن طوفانهای سهمگین است»



پیکار دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران تا محو سلطه امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی ادامه دارد...

اطلاعیه

گروه‌های شرکت‌کننده در "کنفرانس وحدت راه آزادی طیف‌ها و کارگران" کنفرانس را اعلام می‌دارند.

این تصمیم از گذشت قریب یکسال از عهد آید و علیرغم راه‌های همکاری‌ها و فعالیت‌های متد در زمینه‌های مختلف، از آنجا که "کنفرانس" اصلی‌ترین هدف خود یعنی پاسخگویی به امروزه حسن کمونیستی، ناموفق بود، گرفته شده است بدون تردید نیاز به فعالیت "کنفرانس" در ادامه کوشش‌های جنبش کمونیستی برای ایجاد طیف‌ها و کارگران خود را در نظر گرفته است.

در حال حاضر همه گروه‌های شرکت‌کننده مسند هم‌مسندی از این تجربیات هستند و هر گروه و یا همه از گروه‌ها در ادامه این هم‌مسندی‌ها و طرح وحدت جنبش کمونیستی خواهند کوشید.

قطع فعالیت کنفرانس هیچ وجه سمعی فاعلی و یا تبلیغی و همکاری گروه‌ها و عدم کوشش در جهت وحدت جنبش کمونیستی و حزب نیست.

گروه‌های شرکت‌کننده در کنفرانس هم‌چنان مسئله وحدت راه و طیف‌ها، محرم و محوری جنبش کمونیستی تلقی نگردد و سایر ره‌گیری از دستاوردهای آن تلاش‌های خود را بر سر تحقق امر وحدت ادامه خواهند داد.

گروه‌های شرکت‌کننده در "کنفرانس وحدت در راه آزادی طیف‌ها" ۵۸/۱۱/۹



بیدار جنبش انقلابی خلق قهرمان ایران بیاید!

لاسا لگد قیام پرشکوه بهمن، انقلاب در میهن ما همچنان ادامه دارد.
صفت مختلفه ادو استهای مختلفه در عرصه کشمور در حرکتند. توده نوامان تاریخی کمال نظام و بنیاده به امپریالیسم هستند و شانکاران به نظرند.
بناهای خنده و گله‌های سیستم.
بمیانگامه ما آئینه حرکت انقلاب است. در آینه انقلاب بیسیم تا به امروز می‌رسد.
بعضی‌ها می‌گویند: در این سال‌ها، در آینه شعله‌ور می‌شود و ما...

تحریم انتخابات فرمایشی، مبارزه طبقاتی خلق ارمنی

تحکیم مواقع قدرت خود زحمتکشان ارمنی را مستحضر کند، بخصوص اینکه اکثر کارکنان آنها از آشناها هستند و عمارت‌های دولتی مثل وزارتخانه‌ها و ادارات برنا روی در میان آنها دیده می‌شوند (۱)

زحمتکشان و عمارت‌ها و مترقی ارمنی به لحاظ اینکه انتخابات از طرف دانتاک‌ها و شورای خلیفه‌گری را که می‌در جهت تحکیم سرمایه داری و استه و سایر منافع واقعی خلق ارمنی شخصی دانستند آنرا تحریم انقلابی گرفتند. تحریم انقلابی و آگاهانه این انتخابات فرمایشی نشان مدهد که زحمتکشان ارمنی درمی‌مانند که مبارزه با امپریالیسم آمریکا مبارزه ارتجاع داخلی جدا نیست.

(۱) - لازم به تذکر است که دو نفر فوق از اعضای مجلس "بلی" ارمنستان هستند. مجلس مزبور که نام‌جمل‌ها را از زمینهای لبنان و عوامل آمریکا تشکیل می‌دهد در گالستان... و ارتکن شاه‌ملیک... می‌باشد. عمارت‌های خفته‌های جنبش و ضد خلقی امپریالیسم خود بخوار آمریکا در منطقه‌ها و در جاهای است.

★

★

روز ۵۸/۱۰/۲۸ انتخابات مجلس نمایندگان ارمنستان از طرف حزب دانتاک و شورای خلیفه‌گری ارمنستان منعقد شد. این انتخابات تا مابین اعتناتی و نفرت مردم زحمتکشان ارمنی روبرو شد. بطوریکه شنا به: اعتراض روزنامه "آلیک" ارگان حزب دانتاک در تهران از حدود ۷۰ هزار مردم ارمنی و اجترای برای انتخابات، فقط ۵۶۲۸ نفر یعنی ۸٪ مردم در این انتخابات شرکت کردند.

حزب دانتاک که در زمان رژیم منقرن آژدانه و با اجازه ما واک فعالیت میکرد، حزب سرمایه‌داران است که در رژیم ضد خلقی شاه و حاکمیت ارتجاعی خلقی را تاسید کرده است. این حزب تا به ما هیئت بورژوازی خود و نیز شریک روجه و فرهنگ انفرادی ناسیونالیستی، محورت مجری سیاستهای امپریالیسم آمریکا در ایران است.

"شورای خلیفه‌گری دست در دست حزب دانتاک" انتخابات فرمایشی چند روز قبل مجلس به اصطلاح نمایندگان خلق ارمنی را سرهم‌بندی کرده و آنرا به نوده‌های ارمنی تحمیل نمودند تا با زهم سیاسی

تخته از صفحه ۱۲
مجا هدی و...

مردم بورژوازی سنتی با عمارت‌ها معا می‌شود... (تذکره - پیکار)

(مجا هدی شماره ۲۲ - ۱۶ بهمن ماه)

مجا هدی در سرخوردن این دوسری طبقاتی (یعنی بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی) دومی را هدف اصلی مبارزه سیاسی خود قلمداد می‌کنند. چرا که بقول خودشان اینان هستند که "تاسدها را می‌گیرند، کتابها را مسوزانند، مراسم را برهم می‌زنند، و برای حذف کاندیداهای مطلوب بیشترین فنار را وارد می‌آورند و چاقو و چاقو می‌کنند و..." (مجا هدی شماره ۲۲ - ۲۳ بهمن ماه)
این نوع ارزیابی عاری از حقیقت علمی و واقعیت مبارزه طبقاتی در جامعه است. اگر قبول داریم که دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم آمریکا است و اگر قبول داریم که لیبرالها بدلیل ماهیت طبقاتی خود سرمایه‌ها امپریالیسم بدست‌گرفته‌اند و با تلاش تمام در پی "تحکیم وابستگی‌های مستحده" می‌باشند، بنا بر این عمده کردن جریانه‌های وابسته به خرده بورژوازی سنتی (السته‌فلا کاری نداریم که اجزایی نظیر حزب جمهوری اسلامی را میتوان وابسته به خرده بورژوازی مرفه دانست یا نه)، در مقابله با لیبرالها، معنی ندیدن چشم انداز سیاسی جامعه است. ما اما ما به این دلیل علیه خرده بورژوازی مرفه سنتی مبارزه می‌کنیم و مواقع اورا افشای سازیم که آلت دست لیبرالها بدل گشته و دستاورد روش‌های ارتجاعی او شده است و توده‌ها را حول سرمایه‌های لیبرالها بسیج می‌کند، در عین حال

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران